



ارگان مرکزی حزب توده ایران

تک شماره ۱۵ ریال

# پاسخی به آقای کریم سنجابی

## درباره انتسابات ایشان به حزب توده ایران

آقای کریم سنجابی در چند سخنرانی هفته‌های اخیر خود، حزب توده ایران را مورد حملات بهتان آمیز قرار داده‌اند، یادداشت‌های منتهی به این است: همان انتساباتی را که امیر یالیسم و ارتجاع ایران نزدیک چهل سال است به حزب ما وارد می‌سازند، تکرار کرده‌اند.

اگر بخواهیم این اتهامات را خلاصه کنیم چنین نتیجه می‌شود که گویا حزب توده ایران در تمام طول مبارزات خود

طی نزدیک به چهل سال اخیر، نقشی منفی (۱) و یا حتی مخرب (۱) داشته و این هم با آن علت است که گویا حزب توده ایران بیگانه پرست است و بیگانه هم برای آقای سنجابی کشور اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی هستند، و گویا منافع این کشور، با منافع مردم ایران در تضاد است و چون حزب توده ایران این بیگانگان را می‌پرستد، لذا از منافع آنان، که گویا با منافع مردم ایران در تضاد است، حمایت می‌کند و در نتیجه عیلتش همواره در جهت مخالف منافع ملی ما است.

البته همه آن کسانی که کمی از سیاست ایران اطلاع دارند، خوب می‌دانند که این اتهامات آقای کریم سنجابی نوآوری امروزی نیست. این اتهامات، همان اتهاماتی هستند که تنها در ایران از روز تأسیس حزب توده ایران از طرف ارتجاع سیاه ایران و همه محافل و گروه‌های وابسته به امپریالیسم ما وارد آمده‌است بلکه در تمام طول تاریخ مبارزات ترقیخواهان بشری، از دوران قرون وسطی

بر خود دارند برای آنکه بتوانند نادرستی و بی‌پایگی آشکار این افتراها را در یاد، و اگر معذالک برای مبارزه سیاسی به آن دست می‌زنند، این عملشان آگاهانه و در چهارچوب حسابهای سیاسی در آنجهتی است که فکر می‌کنند پسرانشان سودی ببار می‌آورد. یک نگاه ساده به تاریخ نزدیک به ۴۰ سال گذشته، این ادعای ما را تأیید میکند.

در سالهای قبل از شهریور ۱۳۲۰ امپریالیسم هاروجناپت پیشه و تازه بمیدان آمده آلمان، زیر پرچم خون آلود نازیسم هیتلری، بدست رمانخان و متین دقتری نخست‌وزیر وقت و سایر عمال نازی (مانند زاهدیها)، ایران را به پایگاه سیاسی نظامی خود بدل کرده بود. بیش رویهای نخستین ارتشهای اشغالگر نازی در اتحاد شوروی، همیت حاکم مزدور ایران را، که تا چندی قبل فرمانبردار امپریالیستهای انگلیسی بود، آماده خدمت فرمانبرداری به ارباب تازه نفس جدید می‌ساخت.

بقیه در صفحه ۲

## هدف نخستین توپخانه‌های امپریالیسم امریکا در خلیج فارس انقلاب ایران است

خبر گزارهای خارجی در هفته‌های اخیر اطلاع دادند که دولت امریکا سرگرم بررسی طرحی است که بموجب آن، باید نیروی ۱۰۰ هزار نفری از افراد نظامی امریکا برای حفظ «منافع» این کشور در خلیج فارس مستقر شود. روزنامه «القبس» چاپ کویت نوشته است: ژنرال رالف لاورنس، که بمنظور بررسی اوضاع منطقه، سه ماه در عربستان سعودی اقامت داشته، نامزد فرماندهی این نیروی ۱۰۰ هزار نفری است. همین روزنامه اطلاع میدهد که: «کاخ سفید در روزهای اخیر طرح سایر و نوس و زیر امور خارجه امریکار برای ایجاد یک فرماندهی ویژه خاورمیانه‌ای در پنتاگون مورد بررسی قرار داده است.»

هنگامیکه نخستین بار، طرح شیطان‌آمیز امپریالیسم امریکا از جانب «جووزف بیدن» سناتور دموکرات امریکا افشاء شد، از «والتر کاتلر» نامزد کنونی سفارت امریکا در ایران، که وزارت امور خارجه ایران او را به علت سوء سابق سیاسی اش، بحق نپذیرفت، توضیح خواسته شد. او اعتراف کرد که: «در دیپلماسی امریکا حضور نظامی پیش‌بینی شده است.» و در واقع با این بیان دیپلماتیک، خبر مربوط به استقرار نیروهای ۱۰۰ هزار نفری امریکا در خلیج فارس تأیید کرد. وی افزود: «حضور چنین نیروی، در بعضی موارد برای کشورهایی که خود را در معرض تهدید احساس می‌کنند، عاملی است تقصیر کننده و اطمینان بخش و به ثبات اوضاع منطقه میتواند کمک کند.» اخیراً «فرانک ماسترون» سفیر امریکا در کویت نیز با آنکه کوشیده است، اخبار مربوط به استقرار نیروهای نظامی امریکا را در منطقه «دروغ» جلوه دهد، ولی پنهان نکرده است که: «یکی از اصول سیاست امریکا گسترش راهبهای کمک به کشورهای منطقه، بمنظور تحکیم وسایل دفاعی خودشان است.»

مردم ایران که با توپخانه‌ها و دسیسه‌های امپریالیسم امریکا علیه آزادی و استقلال خلقها، عمیقاً آشنا هستند و ۳۵ سال تمام خود را با خون خانانه ۲۸ مرداد برهبری امپریالیسم امریکار، به بهانهی سنگین پرداخته‌اند، حق دارند که اکنون شدیداً نگران نقشه‌های این امپریالیسم متجاوز علیه انقلاب خود باشند. مردم میدانند که «حضور نظامی امریکا در خلیج فارس» برای استقلال کشورها و جنبشهای مترقی منطقه تا چه حد خطرناک است، هر چند که این حضور نظامی، از جانب کارگزاران و جاسوسان امپریالیسم امریکا به «عامل ثبات» و «کمک به تحکیم وسایل دفاعی کشورهای منطقه» تعبیر شود. برای امپریالیسم جهانخواه امریکا «عامل ثبات» بمعنای ایجاد سکوت گورستان در منطقه، بمنظور تأمین شرایط غارتگری و تحکیم وسایل دفاعی کشورهای منطقه، یعنی بوجود آوردن ژاندارمهای محلی برای سرکوب

بقیه در صفحه ۴

## سیاست خطرناک دولت عراق

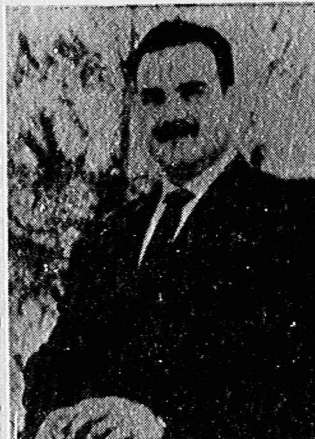
تجاوز مسلحانه و تخریب‌کن دولت عراق علیه کشور ما گستاخی هرچه تمام‌تر ادامه دارد. تاکنون چهار بار جنگنده - بمب افکن‌های عراق ده‌ها ده‌ها کیلومتر از مرزهای ایران را در کردستان (کوره‌شیر، کاپون‌دز، نوزال، نوکان، هلیشه، یاهوسی، نین بانگن...) مورد حمله قرار داده‌اند و برخی از آنها را، نظیر گورده شیر در سردشت، با خاک یکسان کرده‌اند. تعداد هم‌میهنان کشته و زخمی ما به چندین ده نفر و تعداد روستاهایی که بی‌خانمان شده‌اند، به صدها نفر می‌رسد.

در مقاله ضد انقلابی خوزستان نیز دست دولت عراق در کار بود. ارسال اسلحه قاچاق از عراق به خوزستان همچنان ادامه دارد و تبلیغات عراقی یکنفری خوزستان را در برستان، می‌نامد و به طبل ادعای مستخره الحاق «برستان» به «وطن عربی» می‌کوبد.

اعتراض دولت ایران به دولت عراق

بقیه در صفحه ۴

## خطر تابناک رفیق شهید پرویز حکمت جوجاودان باد!



کنند تا از افکار و عقاید خود دست بردارد و از راهی که گام گذارده بود، بازگردد، در برابر با مقاومت تزلزل ناپذیر او، که نموداری از روح بزرگ و ایمنی خدشه ناپذیر بود، روبرو میشدند و خود را عاجز و ناتوان میدیدند.

رفیق شهید پرویز حکمت‌جو، از همان دوران تحصیل در دانشکده افسری خلبانی، با احساس و تجربه دریافت که خدمت در ارتش وابسته و ضد خلقی، ارتشی که از حاصل دسترنج زحمتکشان این آب و خاک تغذیه و تجویز میشود، اما در تمام دوران سلطنت مغفور خاندان جنایتکار پهلوی بی‌سبب سرکوب و ارباب مردم تبدیل شده، نمیتواند با روحیات هیرانی که وجدانی بیدار دارد، سازگار باشد.

رفیق شهید پرویز حکمت‌جو، مانند دیگر هم‌زمان ارتشی خود، با علم و آگاهی

بقیه در صفحه ۴

در ششمین سالروز شهید رفیق پرویز حکمت‌جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، از انقلابی مبین‌پرست و افراتیمونالیست پرشوری یاد می‌کنیم که برای تحقق آرمانهای تابناک خلق از فتنه جان گذشت. سالی دگر از شهادت

پرویز حکمت‌جو، رفیقی که سراسر زندگی آگاهانه‌اش را وقف آزادی خلق ایران کرد، سپری گردید. شش سال پیش، در خیابان شاه مخلوع، رفیق شهید پرویز حکمت‌جو را، پس از ۹ سال زندان، برای چندمین بار به شکنجه‌گاه منتقل کردند و در زیر شدیدترین شکنجه‌های وحشیانه، به زندگی پرغشاه او پایان دادند. زندگی و پیکار حکمت‌جو نمونه شکوهمند از انسانی طراز نوین بود. نه سیاست‌های زندان و نه شکنجه‌های وحشیانه پرروح خاشاک و مقام‌ار ذره‌ای خلل وارد نیارود. در خیابان، که با توسل به زور و شکنجه میخواستند او را وادار

بقیه در صفحه ۴

## قانون مطبوعات

### باید آزادی یاران انقلاب را تضمین و دست دشمنان آنرا کوتاه کند!

لایحه قانونی مطبوعات، که در شماره گذشته نقاشی آن را بر شمرده‌ایم، از آنجایی که بازتاب روح انقلاب ایران نیست و آزادیهای دموکراتیک را در بخش مهمی از آن، یعنی مطبوعات، خدشه دار کرده است، موافق سیاست اصولی حزب ما در دفاع از آزادیهای دموکراتیک نیست. از آنجایی که قوانین، در تحلیل آخر، چیزی جز انکس خواستها و منافع طبقاتی مهبین نیستند، و از آنجایی که روح انقلابی در قوانینی منعکس میشود - و باید بشود - که پس از پیروزی انقلاب نوشته میشوند، ما خواستار آن قانون مطبوعات هستیم که روح انقلاب بزرگ مردم ایران در آن منعکس شده باشد.

انقلاب ایران، انقلابی است ضد امپریالیسم، ضد استبدادی و خلقی، نتیجه اینکه یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب، آزادیهای دموکراتیک، از جمله آزادی مطبوعات است. و این دستاورد مهم باید در قانون مطبوعات منعکس گردد.

بقیه در صفحه ۶

هر شخصیت ضد استبدادی و ضد امپریالیستی، خواه حقیقی یا حقوقی، بر اساس آزادیهای مصرح در قانون اساسی جدید، باید بتواند تشریح منتشر کند و عقاید خود را آزادانه بیان دارد.

سیاست حزب توده ایران درباره آزادی مطبوعات چیست؟ آنچه بروشنی تمام باید در پاسخ این پرسش گفت اینست که، حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پیگیرترین مبارزات را در راه کسب حقوق و آزادیهای دموکراتیک مردم ایران، در سراسر تاریخ خود با قاطعیت تمام دنبال کرده است. امروز نیز که انقلاب خونین خلقی قهرمان ایران، در پیروزی مرحله اول خود، سد استبداد محمدرضا شاهی را در هم شکسته است، حزب ما قاطعاً - ترین مدافع آزادیهای بدست آمده است و آنچه نکرده در استناد مختلف حزب بارها اعلام شده، خواستار تشکیل جبهه متحدی از خلقی است که یکی از وظائف آن بسایند حفظ حقوق و آزادیهای دموکراتیک خلق باشد.

- رویدادهای ایران**
- ۱- رادیو ایران همچنان حزب توده ایران را تحریم میکند
  - ۲- دولت سندیکی مستقل کلگری را حافظ منافع کلگران می‌داند.
  - ۳- مردم اصفهان امپریالیسم امریکا را محکوم می‌کنند
  - ۴- ایجاد مزاحمت توسط عناصر ناباب برخی کپه‌ها
- «مشروح خبرها در صفحه ۱۲»

## قرار داد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود



## «مردم» و مردم

نامه‌های وارده بسیار زیاد داشمار وارده نیز زیاد است. پس تاخیر درانتکاس نامه خوردا ناشی از تراکم نامه‌ها بدانید. درمورد اشدار نیز از اشاعری که سروده‌هایش را بارها در «مردم» خونداشته‌اند، **فرهان رهاور**، درخوش‌نظر کردیم نظر خویش را در مجموع و بطورکلی بنویسد، که جداگانه خواهد خوانند و از دوستان صاحب ذوق دعوت میکنیم باین نوشته توجه کنند.

رضا راستین در نامه خودمی‌نویسد: «فائون هر انقلابی صادق بخوبی میدانند که هدف انقلابی‌روافتمی ازهر مسلکی یکی است و آن استقلال و سادت خلفه‌ای ایران است اگر هدف یکست، هر چه‌بیز یکی است. وحدت کلمه که ما را به پیروزی می‌ساند، زحمت‌کنندگان از لحاظ اقتصادی امپریالیسم امریکا و دیگر کشورهای سرما‌یواری نیامت خواهد داد. کارگران و کشاورزان با امپریالیسم هستند، بسایر در جبهه‌ای منتصدیر نامه‌ی مشخص و واحد تنظیم کنند و بنظر تحقق آن مبارزه کنند.»

دوست عزیز استین! موقت شمارا خواستاریم و منتظر نامه‌های دیگر تان هستیم.

س‌دوست عزیز فریزن، نامه و پیشنهاد شما رسید. البته باید بمقتضای شرایط جدید این دررها در تکمیل کرد. ... آ‌آ‌آ‌ای مصحوب. نامه شما رسید. ما در «مردم» رویدادها و تفسیر لازم را بی‌امون آنوبه درخوشی و آ‌آ‌آ‌ادان گذشت نوشتیم. شاید ایراد باشد، در مورد تاخیر در بخش «فخیر» وارد شده، ولی در حال حاضر ما آنچنان شبکه وسیع خیر‌تکاری مطمئنی که بقوت اخبار موفق را بسا بسازد، در اختیار نداریم. کم بر روی موق‌ بودن اخبار تکیه میکنیم و کوشش ما آنست‌که در خیر یادست، که‌گاه خیر پاک آموز نیز درمی‌آید، چسپ نشود. البته برخورد جدی سرشاز از حس‌مندان خود، با هر خیر و رویداد، با سرعت در عمل با این همراه باشد، و این هدفی است‌که ما بسوی آن، با همکاری کارگران خود، می‌رویم. امیدواریم تفسیرسلطصیحی «مردم» را خوانده باشید. «مردم» کمک و همکاری کلیه خوانندگان خود نیامند است.

– دوست کارگر، نامه شما دربار‌ه اینکه، حقوق بشر در ایران نقض میشود یا در امریکا رسید. نمونه‌هایی که شماز کتابیکه خریداری کرده‌اید، در باره زندانیان امریکایی یا سیداج‌پوستان آن کشور یا بیکاران امریکایی نقل کرده‌اید، همه کامل‌ا بسا و درست است، در نتیجه سخن شما در دفاع از دادگاههای انقلاب و ازوم سرکوب شده‌شد انقلاب نیز کامل‌ا بسا و بحق است. با تشکر خان‌نما سلول زنجان نامه شما رسید.

س‌دوست عزیز، ا.س.ع. نامه شما را حاوی شادبانه‌ها و شرح حال زندگندان دربارت کردیم. بدرستی نوشته‌اید که حالا موق‌ آن رسیده که قاضی‌انه و انقلابی با دیگر گروه‌های انقلابی از دستاوردهای انقلاب حراست کرد. حق بسا ستمت‌که راه دراز و دشواری در پیش است، و با ایران باید عیارا بود. درباره وضع ایران و تضاد عدله کثوری وظولیان حزب توده می‌کنیم امید کسوی تا خندم و تحلیلهای منشره توسط کمیته مرکزی و نامه سرگنده اخیر و همچنین مقالات شما راه‌های اخیر مردم را که با این موضوع اختصاص دارد مطالعه کنید. بهتر است

### مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران

## رویدادهای ایران

**رادوبو ایران همچنان حزب توده ایران را تحریم میکند.**

صحت تنها برس‌توطئه سکوتی نیست که در مهمت‌زین موارد، مانند شرکت حزب توده ایران در تظاهرات ، راه‌پیمایها و انکساک نظاردر حزب ما در مهمت‌زین مسائل کشور ، اعمال میشود. صحت تنها برسر «فراموشی دائمی» گرداننده‌گان خیریی‌رادوبو درمورد اساسی‌ترین اسناد حزب ما، نظیر «تحلیل‌و‌اشاع کشور» یا در نامه سرگنده اخیر، که آگاهی‌بر آنها برای روشن کردن افکارعمومی نهایت‌ضرورت رادارد، نیست. رادوبودولتی ایران ، حتی بقیوت تحریم هم که شده، میکوشد از بزون نام حزب ما خودداری کند، ولی مثل اینکه گردانندگان امور رادوبویی زیاد از این مطلب بیمی ندارند.

بجنبشیه گذشته ، صبح ساعت پنج و ۴ دقیقه(خودانتخاب ساعت مهم‌رعناست) در اوبو-و شعر معروف رفیق شهید، جعفر کولبی ، افسر دولتی ، پیش‌شد منتهی با دو تحریر، یکی آنکه بجای «دای‌شاهمه‌روپوشان» خوانده‌شد «دوسپهان» و دیگری وهم اینچاست اینکه در بیت اصلی کمی‌کوبید، «صبح فردا برسم باز بخواند برود که بهوشیاری حزب پدرم باددروز، گویند دستور داشت بخواند، «که بهوشیاری خوب(ا) پدرم باددروز».

چرا اینهمه هراس از نام حزب؛ بساد آوریم که با آن‌سکه رادوبو تاگزیرشد ، در ساروز شهادت خسرو روزبه ، قهرمان ملی‌ما و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران ، از هر ماسی که باین مناسبت برپا شده بود ، نام‌ببرد، از حزب توده ایران ، که شهید بزرگ دردمان وی‌پرورش یافته‌بود و مراسم توسط حزب وی برپا شده‌بود، کمترین ذکر نمی‌شد. چرا اینهمه وحشت؟

بازهم چندی پیش رادوبومنت‌جالی‌باش داشت درباره ، ترانه مشهور «مرا بسوس» وچگونگی سروده‌شدن آن‌ومناست آن ، که مربوط میشود ، فراموشی افسر شهیدانضای حزب‌توده ایران. متن آموخته و پرخطوبود. ترانه راهم پیش کردند. ولی بازهم حتی یکبار نگذاشتند نام حزب توده ایران برشود. چرا اینهمه ترس؟ چرا ادامهٔ تخریم حتی نام حزب ، چه‌بر با اقدامات و پیشنهادها و اسناد آن؟ چه فکر میکنند! مکن نمی‌دانند که بسیار کسان کوشیده‌اند نام روزبه‌ها و مشیری‌ها ، که‌لی‌ها و متعلق آنها به حزب توده ایران را پنهان کنند و نتوانستند؛ مگر نمی‌دانند که «هوشیاری خوب» نمیتواند اصل مطلب ، یعنی وجود و فعالیت هوشیاری حزب را معنی کند؟

**● دولت سندیکای مستقل کارگری را حافظ منافع کارگران میداند**

دربوش‌فروش، وزیر کار و امور اجتماعی، در نشست و پنجمین اجلاس کنفرانس بین‌المللی کاردر ژنو، طی سخنانی اعلام کرد: « دولت جمهوری اسلامی ایران سندیکاهای مستقل را در همه حال تضمین کننده حفظ منافع کارگران می‌شابد و مصرأً متفق‌دست که دولت‌ها حق ندارند در روند ساختن کارسندیکاهکا دخالت اعمال نفوذ نمایند ، بلکه صرفاً میتواند در موضع تشویق و حمایت‌این واحدهای اصل کارگری قرار بگیرند.»

فروش در سخنان خود از سیاست ضد کارگری رژیم شاه -برده برداشت و گفت: درحالیکه درسال ۱۳۵۵ بیش از یک میلیون ایرانی ازمه میلیون‌نوروی کار کشور دچار بیکاری افشکار و پنهان بوده‌اند. باورد نیروی کار خارجی درسطوح مطلقاً غیرمتخصص فرست‌های جدید اشتغال در اختیار کارگران ایرانی قرار داده نشده، فروش گفت: « دولت جمهوری اسلامی ایران سعی‌شدن کشور و یادفاع از حقوق کارگران را در رابطه مستقیم با استقلال ملی مطرح میکند».

وزیر کار و امور اجتماعی افزود: در نظام تولیدی جامعه‌اصالت کار مطرح

است. نه‌اصالت سرمایه. فروش در سخنان خود گفت: «نفت یک سرمایه ملی است. آنچه ما مجاز بفروش آن هستیم، کارمسات ونه سرمایه‌ما واگر تاگزیر اقدام بفروش سرمایه می‌کنیم باید در برابر آن بشکل عادلانه بخیرید سرمایه‌پردازیم ، یعنی مبارله نوعی سرمایه با نوع دیگر بنا بر نیاز طرین. به عبارتی‌دیگر فروش نفت و خرید ماشین‌های صنعتی مادر یا ابزارهای تولیدی مقام درجهت رشد کشاورزی ملی‌وبنا نهادن صنایعی کهمواد صرفی اولیه را در قلم سازه و قدرت جذب هرچه بیشتر نیروی کار در افزایش شمار فراورده‌های حاصل‌از کاروا تمی به‌وجود آورد. تا ما را از تنگنای «تک‌محصولی» بودن بیرون بکشد.

**● مردم اصفهان امپریالیسم آمریکا را محکوم میکنند**

گزارش‌کران «مردم» از اصفهان، اخباری‌بی‌امون تظاهرات‌علیه‌امپریالیسم آمریکا، که بدفقات مختلف و توسط گروه‌های گوناگون سازمان‌داده‌شد، فرستاده‌اند. ساعت ۵/۵ روزاول خرداد، کارگران کارخانه ذوب آهن، هنگامیکه درآرخ‌هایان حکوم نظامی از آمریکا برای سرویس پیاده شدند، و بسا شمار و پلاکارها بطرف حکومت‌گری آمریکا برآه افشاندند و علیه آمریکا و شهرونیسم و سود ایران و فلسطین شماردادند و از احکام قاطع دادگاههای انقلابی حمایت کردند. روزوم خرداد ساعت ۹/۵ صبح رانندگان و صاحبان نفتکشهای شهر و حومه استان اصفهان به پشتیبانی از دادگاههای انقلاب و بعنوان اعتراض علیه امپریالیسم جهان نفخوار آمریکا و عوامل ایرانی آنها دست‌به‌راه‌پیمائی زدند و با نظم خاصی در میدان نقش‌جهان اجتماع کردند. یکی از رانندگان قطب‌نامه میتینگ را امپریالیستهای جهان، ویژه آمریکا، درامورد داخلی کشورما از نظر ملت ایران محکوم است.»

مردم فریاد می‌زدند، «آزادی مستضعف ایچساز باید گردد، اعدام انقلابی دنبال بایدگردد، هرگ برامریکا دشمن خلق ایران، دزد و برخی‌تی دهرم خلق ایران.»

«مردم – متأسفانه عکسهائی که دوستان ما فرستاده‌اند، رنگی است. بنا بر این غیر قابل استفاده‌اند.

از مهم‌ترین دوستانی که برای ما خبر می‌فرستند، بسا‌دی‌دیگر درخواست میکنیم عکس سیاه وسفید بفرستند.

**● ایجاد مزاحمت توسط عناصر ناباب برخی کمیته‌ها**

از سردشت – یکی ازدهات ذفول- خبر می‌رسد که جیب کمیته، همراه با ۳ تن مرد مسلح، ساعت ۱۲ شب ۱۵ خرداد، به خانه الله‌گودی موروند، زن‌نوحه پیدار میشوند. ا‌صاحب‌خانه می‌خواهد سیدعبدالحسین اثرش فری‌زاده، که در ذفول، یوزبان آیت‌الله‌معتزلی، صاحب‌کتاب‌فروشی آرش استوارها را بن‌خانه رفتو آمد دارد، دجور ب‌آید. رئیس کمیته‌می‌کوبند که اثرش زاده کمی‌نست است و برای‌خرابکاری آمده. دلیل رئیس کمیته هم عباتت بود ازداشتن کتاب‌فروشی. مردان مسلح کمیته بعدازمدتی جروب‌بخت رفتند. فریاد آفرود، ۱۶ خرداد، ساعت ۱/۵، در منزل امام‌قلی، ایجاد مزاحمت کردند و برپا نه‌شان چلو‌گیری ازشد!انقلاب بود. درحالیکه عناصر واقعی ضد انقلاب و بسستگان به سیاست‌های امپریالیستی مشغول فعالیت هستند، عناصر ناباب برخی کمیته‌ها، افراد هم‌پند و دوست‌شورئکران مبارزرا کزیر فشار قرار میدهند، اثر فرمان دادستان انقلاب، که بدون دستورکمی نمی‌توان مزاح کسی شد و یا کسی را بازداشت کرد، اجرا نم‌شود. افراد کمیته‌جم بود نیز بدون نامه اذجانب دادستان ذفول، دوبارد در محل، مزاحم سید عبدالحسین اثرش زاده مدیر کتاب‌فروشی شدند و دو خانواده را هم بدشت تگران کرده و ناراحت کردند.

اهالی سردشت و ذفول، که این جریان را می‌بینند، می‌پرسند: آیا داشتن کتاب‌فروشی جرم است؟ آیا داشتن عقیده سیاسی بهانه مزاحمت میشود؟

## چرا یکدیگر را در بحث آزاد و سالم تحمل نکنیم!

و اتهامو حتی گاه با قدرت جسمی از پیش ببردند.

ما با این روش ناهنجار از بیخ و بن مخالفیم . نه تنها بدان دلیل که آزرا راه درست برخورد عقاید و آراء نمیدانیم و فکر میکنیم هیچ صاحب نظر و صاحب مکتبی از این راه جز به ترکستان بجائی راه نمیرد بلکه بطور عمد‌ه بدان دلیل که با ایجاد یک محیط

متشنج وآشفته، آن‌که از چنین وضعی بحد دلخواه خود سود میبرد، ضدانقلاب است. برای پیشبرد انقلاب ، اگر خود برای آنچه که میگوید باور دارد، اگر بتأثیر و نفوذ ایندولوزی خود و برتری آن نسبت بدیگر اندیشه‌ها مؤمن است، در این سالمترین و نمر بخش‌ترین مواضع نباید پیشبرد انقلاب ، اگر خود برای آنچه که میگوید باور دارد، اگر بتأثیر و نفوذ ایندولوزی خود و برتری آن نسبت بدیگر اندیشه‌ها مؤمن است، در این بصورت نمی‌بایست از مواجهه بسا نمانیدگان عقاید و آراء دیگر بالداشته بنویسیم. موفق باشیید.

– رفیق گرامی آقای بوطالیی. در باره عضویت و نام‌های با حزب‌ها بطوریکه در «مردم» اعلام‌شده می‌بایست دقیق‌گزارانان بفران افتاد. بدفتر مرد درخ‌هایان ۱۶ آذر ب‌باشد. درمورد کتاب نیز اداره انتشاراتی ما در همان محل واقع است، با مسئول آن حضورا صحبت کنید.

متأسفانه صاحب نظرانی هستند که میکوشند بحث را بجدل بکشانند؛ بجای استدلال منطقی، اتهام و توهین ش‌ر شد. ما نیز مشغول‌ان ادحسانات گرم و تحلیل‌های منشره توسط کمیته مرکزی و نامه سرگنده اخیر و همچنین مقالات شما راه‌های اخیر مردم را که با این موضوع اختصاص دارد مطالعه کنید. بهتر است

بر محبت شما راهمقشاریم.

دوره هفتم، سال اول، شماره ۴۶ چهارشنبه ۲۴ خرداد ماه ۱۳۵۸

### اخبار کارگری

**✽ خواست کارگران سابق کارخانه خربزایی چالوس**

کارخانه خربزایی چالوس، که پس‌از ۲۸ مرداد بدستور شاه مخلوع تعطیل شد، قبل‌از تعطیل در حدود ۳۰۰۰ هزار نفر کاررگ داشت. درفاصله سالهای ۱۳۲۱ الی ۱۳۳۰، برای کارگران از طرف اتحادیه‌های کارگری، دبستان ششانه تأسیس شده بود و در نتیجه اکثریت کارگران کارخانه درآن زمان باسواد حکوم‌ت‌گری آمریکا برآه افشاندند و علیه آمریکا و شهرونیسم و سود ایران و فلسطین شماردادند و از احکام قاطع دادگاههای انقلابی حمایت کردند.

روزوم خرداد ساعت ۹/۵ صبح رانندگان و صاحبان نفتکشهای شهر و حومه استان اصفهان به پشتیبانی از دادگاههای انقلاب و بعنوان اعتراض علیه امپریالیسم جهان نفخوار آمریکا و عوامل ایرانی آنها دست‌به‌راه‌پیمائی زدند و با نظم خاصی درمیدان نقش‌جهان اجتماع کردند. یکی از رانندگان قطب‌نامه میتینگ را امپریالیستهای جهان، ویژه آمریکا، درامورد داخلی کشورما از نظر ملت ایران محکوم است.»

مردم فریاد می‌زدند، «آزادی مستضعف ایچساز باید گردد، اعدام انقلابی دنبال بایدگردد، هرگ برامریکا دشمن خلق ایران، دزد و برخی‌تی دهرم خلق ایران.»

«مردم – متأسفانه عکسهائی که دوستان ما فرستاده‌اند، رنگی است. بنا بر این غیر قابل استفاده‌اند.

از مهم‌ترین دوستانی که برای ما خبر می‌فرستند، بسا‌دی‌دیگر درخواست میکنیم عکس سیاه وسفید بفرستند.

**● حاز که دراث انقلاب درمی، مبین**

ما ازاز شده نمای از کارگران سابق این کارخانه طی نامه‌ای از نخست‌وزیر خواست‌اند که در شرایط بیکاری کنونی، دولت باخیرید چند میلیون تومان ماشین آلات مخصوص خربزایی میتواند این کارخانه‌را دوباره بکار اندازد و ۶۰۰۰ کارگر را در درد نوبت بکار مشغول نماید. ضمناً از آنجا که درتمام شهرهای کیلان و مازندران دهقانان به پرورش کرم ابریشم تسلط کامل دارند، لذا از طریق تولید پيله، عده زیادی از دهقانان مشغول کرم‌خو‌اند شد و پيله‌های تولید شده به انبارهای موجود درشمال منتقل ونگاهداری خواهد شد تا بموقع مورد استفاده کارخانه قرارگیرد و از این طریق نیز عده زیادی کارگران سابق صاحبان انبار بکار جلب خواهند شد.

**\* پیروزی کارگران کارخانه جاپاسزی سومعه‌سرا**

در هفته قبل درکارخانهٔ جاپاسزی سومعه‌سرا اعصاب دو ساعته‌ای بخاطر کمی دستمز توسط کارگران صورت گرفت چون کارخانه در حال کار بود و اگر اعصاب

ادامه می‌یافت ضرب قابل توجهی متوجه کارفرما میشد ، کارفرما وعده مساعد به کارگران داد . اما بعداً متصدی کارخانه بهرهر ان اعصاب پیشین را بدخواستستوزی از خواست ایشان را داده این شرط

به یکس مسئلهٔ اعصاب‌دراپش نگشتند(۱) وبقیه کارگران اربان حقوق‌قبلی بکارخو‌اند ادامه بدهند . اما رفقای کارگر با این پیشین‌امور اوقت نکردند و تهدید با اعصاب

دامه‌دار کردند . در نتیجه حقوق چندفراز کارگران برمسئولیت ، از ۳۵۰ ریال به ۶۰۰ ریال و بقیه از ۲۵۰ ریال به ۵۰۰ ریال افزایش یافت .

**✽ توافق نامه کارگران «ایران پوپلین»**

میان اعضاء شورای کارخانه پوپلین و مدیرعامل شرکت، عناصر ضد انقلابی ضمن ۱۴ ماده باامضاء رسید ، ازجمله خواستهای کارگران پرداخت اضافه‌کاری وحق عالمه‌شدنی وجلو‌گیری از اشتغال و ایجاد نظارت‌شورا بر تمام اخراج‌حاصل اتحاد برداشته شده است.

دوستان! بگذارید محیط بحث و مناظره، محیطی سالم باشد . اجازه ندهید افراد مشکوک، یا عصبانی ، با ناشکیباید این محیط ایجاد تشنج کنند. این معیاری است برای سنجش حسن نیت‌ها .

خباستان ۱۶ آذر، شماره ۶۸ ، تلن، ۹۳۳۴۵۹ ۹۳۵۷۸۴

دوره هفتم، سال اول، شماره ۴۶ چهارشنبه ۲۴ خرداد ماه ۱۳۵۸

بقیه از صفحه ۱

**پاسخی به آقای کریم سنجایی...**

حزب توده ایران، که بافاشیم و جنایات آن آشنا بود، در همان روزهای پامهدان فعالیت مهاس گذاشت وهرچه مبارزه علیه فاشیسم رادو ایران برافراشت که ارتشهای نازی بسوی مرزهای ایران درحال پیشروی بودند، توده‌ایها که تازه از زندان‌های سباه ارتجاع بیرون آمده بودند، با نیروی ناچیز خود، از همان آغاز با شدیدترین حمله نیروهای ارتجاعی، که در آن دوران ناسازها و نازی‌زده‌ها برچیدارشان بودند، روبروشدند. شما آقای سنجایی، به‌دیارهٔ دوستان نزدیک‌دو-دو بر خود نگاه کنید و حافظهٔ خود را بکار ناندازید، تا نوقت خواهد دید که کم نیستند کسانی‌که در آن روزهم‌زمان با زاده‌ی‌ها و ارف‌ها و دیگری گردانندگان ارتجاع ایران، حزب تودهٔ ایران را بعنوان «وابسته به اتحاد شوروی» نامزا می‌گفتند. توده‌ایها

از بیسم‌هفتلی رادشمن بشریت و دشمن مردم ایران، واستعمارنازیسم را وحشانه‌ترین استعمارنوع جدید میدانستند و با دادن همه‌سستی خود و بخطر انداختن جان خود حزب تودهٔ ایران را بعنوان «وابسته به اتحاد شوروی» نامزا می‌گفتند. توده‌ایها در مقابل این‌خطر قدر برافراشتند. **در آن ایام شد آقای سنجایی کجا بودید!** سهاری‌ان «سنجایی‌ها» در آنروز خود را آمادهٔ «سینجایی‌ها» از ارتشهای هفتلری می‌کردند. با استفاده از اسناد تاریخی، ما حاضریم در آینده به‌حافظهٔ شما کمک بسازیم.

با یاداری‌دی‌ورا نه‌وار یعنی مردم‌شوروی، با کمک همه‌مهربان‌پرستان و آزادبخوانان سراسر جهان – که مبارزهٔ حزب تودهٔ ایران و سایر نیروهای ضدفاشیت مهن‌مام جزئی‌از آن بود – ضد خطر استعماری فاشیسم بر جهان انیمان رفت. بوی «کیاب‌سطره نازیسم» بر جهان به‌نغمه‌لاش‌های دهها میلیون قربانی این‌جهدیست امپریالیستی‌مدید شد. دیگر دفاع از نازیسم – ما ضد دفاع از ما توکیوم ضد شرایط فعلی – به‌نفت‌روسوایی میدل‌گریدید. سرودیروزنی خلق‌های محروم جهان، سرود آزادی ازبوع بندگی در سراسر جهان طنین‌اندازشد. مبارزهٔ حزب‌ما علیه فاشیسم جهانی، مبارزهٔ مباری پشتیبانی از جبهه‌اتحاد ضدعوتلری برای یادفاع از منافع ملی‌ما بود و بسایست آن‌کسانی که آمادهٔ پیش‌ان‌از آمدن کشتان اس‌اس بودند، درجهت خیانت بمنافع ملی‌ما، جنبش ملی دومکراتیک ایران با شافت با بسابق‌های روبه‌رفت گذاشت.

حزب توده ایران توانست نیروهای عظیمی رادرسراسر ایران برای رشد آزادی و استقلال تهیه‌کند و مبارزه بکشانند. حزب توده ایران القای مبارزهٔ سیاسی را در ایران ترویج کرد. ارتجاع سباه‌بحال‌خود علیه حزب تودهٔ ایران، بعنوان یکانهٔ نیروئی‌که خطر جدی برایش بوجود آورده بود، هر روز می‌افزود. مبارزهٔ دو کراسی و ارتساع هر روز اوج‌بیشتری م‌یافت.

در آنروزها «سنجایی‌ها» ما دیگر نه‌ت‌ها جرئت نمیکردند حزب تودهٔ ایران را مورد اتهام قرار دهند، بلکه برای آنکه در صف مبارزان راه‌آزادی و استقلال و دموکراسی جا بگیرند، راه دوستی با حزب تودهٔ ایران را در پیش گرفتند.

این يك واقعهٔ تاریخی است که پس از آذر ۱۳۳۴، که در آذربایجان و کردستان نیروهای ملی و دلقی قدرت محلی را در دست گرفتند، «حزب ایران» بطور رسمی در ائتلاف سیاسی چهار حزب - یعنی حزب توده ایران، فرقهٔ دموکرات آزادی‌ایجان، حزب دموکرات کردستان و حزب ایران – شرکت نمود، هر حزب در ایران ، آقای اهلوار صالح، با نمایندگان حزب تودهٔ ایران در کابینهٔ ائتلافی شرکت کرد و تا آنجا که ما میدانیم همیشه سیاست مشترک و متحدی را با آنان دنبال میکرد.

در این دوران، با آنکه حزب تودهٔ ایران در سیاست خود، در بر نامه‌خود، و در دید خود نسبت بهمسائل بین‌المللی، کوچکترین تغییری به‌وجود نیاورده بود، و نه‌ت‌ها «یکدیگر» برای «سنجایی‌ها» حزب «بیکانه‌پرست» نبود، حزب «وابسته» نبود، بلکه از نظر ملی و دموکرات و مبارز بود که در دست ایران، فرقهٔ دموکرات در دعوت‌هایش را يك عمل مثبت ملی و در راه تکمیل دو کراسی میدانستند. اما بعداً ورق برگشت. پیدایش‌بخت اتسم در دست امپریالیستهای خونفشار و تجاوز کار امریکا، تناسب نیروها راد در جهان تغییر داد. امپریالیستهای امریکایی و انگلیسی، با استفاده از شرایط موجود آن زمان، موفق شدند، طی یک حملهٔ بردامنه در يك سلسلهٔ از کشورها، مواضع از دست رفته و یا متزلزل شده رادو- باره بدست آورند.

مهن ما ایران، که از لحاظ سوق‌العشی برای ایجاد يك پایگاه حمله به اتحاد شوروی و از لحاظ اقتصادی بملت منابع عظیم نفت خود و از لحاظ جنس‌الغائی برای نفت سایر کشورهای خلیج فارس، اهمیت فوق‌العاده داشت، یکی از اولین و بهترین هدفهای این حملات جنایت‌کارانهٔ امپریالیستهای امریکایی و انگلیسی گردید، جنبش آذربایجان و کردستان بخون‌کشیده شد. دهها هزار نفر از مبارزان (بیش از ۷۲۵ هزار نفر) در آذربایجان قتل‌عام شدند، در سایر شهرها حزب تودهٔ ایران مورد شدیدترین حملات قرار گرفت. اما حزب تودهٔ ایران نیز مواضع انقلابی و ملی خود را برجا ماند و با دادن صدها شهید و هزاران زندانی و قبول‌گوه‌که محرومیت از مواضع سیاسی خود دفاع کرد.

**ولی «سنجایی‌ها» چه کردند!** ۱۸۰ دههٔ صدای فخر و ناسزای آنها علیه جنبش ملی و دموکراتیک مهن، علیه حزب‌ما و جنبش آذربایجان و کردستان، یعنی هسان متحدین دیروزیشان، از ندره‌های مستانهٔ شاه و سایر مزدوران امپریالیسم عقب نیفتادند.

در این دوران، نمایندگان دیروزنی حزب‌ما، یعنی «سنجایی‌ها»، جبهه‌عوض کردند. امریکایی امپریالیست تازه‌نفس جای نازیسم عیلمی را اشغال کرد. برای آنها امریکا ملجاء و پناهگاه گردید. گروهی از این آقایان تا اینجا پیش‌رفتند که دکترین این نهادور، یعنی اصول بنیادی سیاست استعماری امپریالیسم امریکا را برسمیت ششاخته، به این امید که امریکا در مسلهٔ نسل‌بشدت به آنها‌ها کمک نماید.

ما برای امرعات عدالت تاریخی می‌پذیریم که بسیاری از این دوستان دیروزنی ما، آنروز و آنجا متفق بودند که امپریالیسم امریکا «مخصوصیات امپریالیستی ندارد» و می‌توان برای کم کردن نفوذ استعماری انگلیس، که حاکم بر مقررات کشورهای ما بود، از امریکا استفاده نمود. اگر بپذیریم که نمایل و ادوات این دوستان دیروز جنبش ملی و دموکراتیک ایران به‌امپریالیسم امریکا، ناآگاهانه بوده است، اولاً نمیتوانیم از این امر صرف‌نظر کنیم که این شناخت نادرست ناشی‌از بی‌اطمعی همین آقایان از ماهیات امپریالیزم، از نقش‌فان‌تکرانهٔ و جنایت‌آموز امریکا در برده‌کردن کشورهای امریکایی لاین، و در برده‌ساختن خلق‌های آسیای دور بوده‌است، ثانیا نمی‌توانیم در نظر بگیریم که موشک‌گری طبقاتی این آقایان (که هوادار می‌دانند) با این امر بی‌ارتباط بوده‌است.

همون‌لکه اخیر یعنی سنگین طبقاتی و اجتماعی است‌که در تمام دوران به‌استثنا لغوسر خط فرس موشک‌گری سیاسی «سنجایی‌ها»ست، و هستهٔ اساسی این موشک‌گیری‌هم ایست‌که، امپریالیسم امریکا، درست است‌که ما را غارت کرده،

### مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران

### صفحه ۳

ارتجاع سباه ایران را بصورت شاه و ساواک بر مقررات کشور مسلط ساخته و جنایات غیر قابل‌ذهای را مرتکب شده‌ است ولی برحال و با تمام این جنایات يك عنصر «خودی» است، زیرا از سرمایه‌داری در جهان دفاع میکند، «خوشنوا ند» است زیرا بزرگترین پایگاه ضد کمونسیم است. تمام تلاش «مهن پرستانهٔ این آقایان سنجایی‌ها» در ایست‌که امریکایی جنایت‌کار، غارتگر و تجاوزکار را به دام‌گیری دست و پشتیبان مردم، ایران تبدیل‌کند.

براساس همین ازبایی سیاسی است‌که برای آقایان «سنجایی‌ها»، دوست عزیز و همکار دیرین و گرانه‌ی‌شان شاپور بنتیچار (که بزرگترین خیانت در به‌مردم ایران مرتکب گردید) بیکانه‌پرست نیست. آنها خود را متعهد به هیچ‌کوه توضیحی در این باره نمیدانند و برعکس تمام تلاششان در ایست‌که با «عفو عمومی»، بنتیچارها را از جنگ انتقام مردم زجر کشیدهٔ ایران خلاص‌کنند، ولی حزب تودهٔ ایران که چهل سالست زجر میکند، کشته و زندانی میدهد، و برخلاف «سنجایی‌ها»، از همهٔ چیز در این کشور محروم‌است، درست بملت آن‌که امپریالیسم امریکا را خطرناک‌ترین دشمن مردم ایران میدانند و برهمین پایه هم نیروهای رادشمن ضد امپریالیستی جهان و در پیشاپیش آنها کشورهای سوسیالیستی و اتحادشوروی را دوستان خلفه‌های بزنجیب‌کشیده و از زنجیر رسته جهان می‌شمرند، «بیکانه‌پرست» است.

بازگرددیم به‌مقام حزب تودهٔ ایران و جای «سنجایی‌ها» در تاریخ، در دوران پیش از زمین ۱۳۲۷، حزب توده ایران در پیشاپیش مبارزه برای استقلال وآزادی مردم ایران کام برمیداشت. از ماه‌های پیش از زمین، حزب‌ما نقشه‌های شوم امپریالیسم و رژیم شاه مخلوع را قاش کرد، که برای جلوگیری از مبارزهٔ مردم ایران علیه تسلط استعماری انگلستان (که پایگاه اساسی آن امتیاز نفت جنوب بود) قصد داشتند جنبش ملی و دموکراتیک مهن را ما مورد هجوم قرار دهند. از ماه‌های پیش ما اعلام می‌کردیم که دولت بملت مبارزهٔ مردم ما علیه تسلط شرکت نفت انگلیسی، ارتجاع وامپریالیسم، و نقش غیر قانونی کردن حزب توده ایران را طرح کرده‌اند. ما اعلام داشتیم که اولین ضربه به حزب ما ست، ولی اگر ارتجاع بتواند حزب ما را ازبیا دزود، درمورد سرهای ملی نیز رحم نخواهد کرد.

در این دوران که بالاخص به‌اعلام «متحله‌کردن» حزب‌ما بدست شاه-اقبال منجر شد، «سنجایی‌های» دموکراتیک‌که در دفاع از آزادی حزب‌ما سخن نگفتند، حزبی‌که دو سال پیش مؤلفشان بود و نظاره به دوستی‌اش را يك عمل ملی و دموکراتیک می‌دانستند. آری، آزادی و دموکراسی برای «سنجایی‌ها» قابل تجزیه بود.

حزب تودهٔ ایران بملت مبارزه بیکورث علیه تسلط استعماری انگلستان علیه توطئه‌های امپریالیسم امریکا برای جنگ انداختن بمنابع ثروت ملی ما تبدیل‌کشورما به‌نو مستعمرهٔ خود غیر قانونی شد. صدها نفر از مبارزان تود‌ای، و از آنجمله نویسندهٔ این سطور به‌زندان افتادند. در مقابل خطر مرگ، و سربلندی ازمواعض حزب خود، ازمنافع این‌ان‌ان دفاع کردند.

آقای سنجایی دفاع ارا راد کمیته مرکزی حزب مرا در محاکماتی که آقای دکتر شاپکات کالت آنها را ب‌عهده داشت، بنوانید و کمی بخود آید. به بیندیک این افراد چگونه با شامت علیه تسلط استعماری انگلستان و توطئه‌های امری- برای به‌بند کشیدن مهنمان پرچم مبارزهٔ مردم ایران را برافراشتند تکیده‌شدند تسلیم نشدند. شما خیال میکنید که وعده‌های آزادی، پول ومقام در مقابل ما و نداشتند و لی توده‌ایها زندان و تبعید را ترجیح دادند. اگر این را شما «یک برستی» میدانید ما باین بیکانه‌پرستی افتخار میکنیم

ولی آقای سنجایی‌شما کجا بودید؛ خوب است این بخش را خودتان به مردم توضیح دهید. ما هم در آیندهٔ در این زمینه به‌حافظهٔ شما با اسناد کمک‌خواهیم کردیم. نقشه امپریالیسم و ارتجاع در فرغ قانونی کردن حزب تودهٔ ایران، بعنوان پیشانگه جنبش ضد امپریالیستی، نتوانست به‌خود خود برسد. ما منظور که سال‌های اخیر تمام جنایات رژیم نتوانست از رشد جنبش خلق بسرای ریشه‌ک ساختن امپریالیسم واستبداد جلوگیری نماید. از یکسو جنبش ملی ایران‌ده، می‌گرفت، ازبوسهٔ دیگر توطئه‌های امپریالیست انگلیسی برای نقیبت امپریالیسم وامپریالیسم هار آمریکا برای بدست آوردن مواضع قدرت هر روز گسترش می‌یاب. سیاست حزب توده ایران، در عین اینکه جامعهٔ موشک‌پیمای ناشی از افزایش در شرایط رژیم پلیسی روبرو بود، حتی یک لحظه هم استعمری‌گری دست و بی‌نزول علیه دشمنان اصلی، یعنی امپریالیسم امریکا، انگلوس و ارتجاع ایران برهوی. شاه مخلوع متصرف‌نگری‌دید.

ازبایی نادرستی که درمدت کوتاهی حزب‌ما در بارهٔ بخشی از نیروهای دردمرگ ک بسپار فرنج‌آز آن زمان وارد میدان شده بود، به‌درا کرد، از تگرانی‌شدید از توطئه‌های امپریالیسم امریکا ناشی میشد. توطئه‌هایی که سرانجام آشکار شد و کودتای ۲۸ مرداد به هدف نهایی خود، یعنی برقراری تسلط امریکا بر ایران، رسید. روشن‌است‌که درشاپوش‌دوار برآن‌کدی که مرکز دجبریی و فعالیت درشاپوش غیرعلنی و بالاخص درشاپایک تجزیه‌جوی‌ان آزادی‌ما در مقابل ما مسا اولی فرنج، برخی ازبایی‌های نادرست از طرف حزب شده است. ولی در زمینهٔ هیر مسئلهٔ ازبایی‌های نادرست، باید این حقیقت تاریخی را نیز بیان کنیم‌که حتی در همان روزها، چه در همان رهبری حزب توده ایران در ایران و در مهاجرت و چه در میان کارهای فعال حزب، اختلاف نظر جدی وجود داشت و همین اختلاف نظر موجب شده‌که حزب ما توانست در این ازبایی تجدید نظر کند و دکترمصدق را از بقالی‌ها و مکتبی‌ها جدا سازد و از او تمام نیرو پشتیبانی نماید. آیا آقای سنجایی برای این سوال پاسخی دادند‌که چرا در تمام سال‌آخر حکومت دکتر مصدق، که حزب‌ما با تمام نیرو از استیادگی او در مقابل فزاده‌ای مشتعل امپریالیسم امریکایی و انگلیسی پشتیبانی میکرد، نمایان نام «سنجایی‌ها» که امروز برای عفو عمومی جنایت‌کاران وابسته به رژیم خائن شاه درقلا هستند، یک کلمهٔ دربارهٔ لغو ممنوعیت فعالیت علیه حزب ما اظهار نداشتند؛ حزب توده ایران، تنها برای آن‌که مبارا طرح این‌مسله‌برای حکومت‌دکتر مصدق ایجادکنک سیاسی نماید، ازهر گونه اقدامی در این زمینه خودداری کرد، یعنی تنها برای تقویت دولت دکتر مصدق.

ولی سنجایی بر اعلمیر غمخیز این کتبی‌های امپریالیسم در تاج و بهتان‌زنی‌های امثال شما، تاریخ نقش‌فلال مهن پرستانهٔ فداکارهای حزب ما را، بدوستی بازنای خواهد داد، همانطور که علیرغم همهٔ فریب‌کارزها، تاریخ نقش شاه مخلوع و رژیم وابسته‌اش، نقش باقائی‌ها و شاپور بنتیچارها را بدرستی ثبت نمود.

برغم فداکاریهای مردم ایران، برغم کوششهای فداکارانهٔ نیروهای (که بخشی زهره‌پری دکتر مصدق و بخشی زیر رهبری حزب توده ایران قرار داشتند) جنبش ملی مردم ایران در مقابل توطئه خائنهٔ امپریالیسم و ارتجاع ایران نمیتوانست پایداری کند و درهم شکستند. دربارهٔ علل این شکست و نقش «سنجایی‌ها» و حزب تودهٔ ایران در این جریان، ما درسد جداگانه‌ای گفتگو خواهیم کرد.

بقیه از صفحه ۵



## بیگاه‌ها شماره پش

# گفتگونی با چریکهای فدائی خلق ایران دربارهٔ مسائل انقلاب ایران

در بحث از هژمونی پرولتاریا، باید به یک نکته بسیار اساسی اشاره کنیم و آن اینکه، دوران تاریخی که ما در آن زندگی میکنیم با دوران انقلاب بود و روزا دمکراتیک قرن نوزدهم و اوایل قرن بیست (انقلاب اول روس) تفاوت ماهوی دارد. ما در دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم، زندگی میکنیم. مشخصه اصلی زمان ما تمییز سریع تناسب نیروها بسود سوسیالیسم است. در این دوران، هژمونی پرولتاریا در هر کشور جداگانه، نمیتواند از هژمونی جهانی پرولتاریا و نیروهای ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری جدا باشد.

در این زمان ما ست حرکت اصلی جامعه بشری را سوسیالیسم تعیین میکند. و این بدان مناسبت که در مقیاس جهانی، هژمونی پرولتاریا تأمین شده است و هر چه این حرکت مطه‌ن‌تری و سرپیش باشد، هژمونی جهانی پرولتاریا استوارتر است. در این زمان، پرولتاریای جهانی و فرزند پرورند آن اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیستی، در مجموع خویش، این اندیشه‌اصلی مارکسیستی-لنینیستی را راه‌نمای عمل خود قرار داده‌اند که، پرولتاریا باید از هر جنبش انقلابی حمایت کند. اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی از هر جنبش انقلابی در جهان حمایت میکنند و میکوشند که جنبش‌های انقلابی را بسوی قاطبیت هر چه بیشتر سوق دهند و راه گذار کشورهای ضد امپریالیستی را بسوی سوسیالیسم هموار سازند.

در این دوران، هژمونی پرولتاریا در تمام نقاط جهان است که در انقلاب‌های ضد امپریالیستی کشورهای آسیا، مقننهای نظیر «دهری خرده بورژوازی» پدید می‌آید، و اگر نه خرده بورژوازی در زمان سلطهٔ کامل امپریالیسم (سرمایه‌داری) اصولاً قادر به رهبری نبود. امروز ما اگر در مقیاس جهانی-تاریخی در نظر بگیریم، خرده بورژوازی قدرت دهبری ندارد، چرا که فراموش اقتصادی-اجتماعی ویژهٔ خرده بورژوازی موجود نیست و در مقیاس تاریخی-جهانی، با فراموش سرمایه‌داری است. یا سوسیالیستی.

آنچه که دهبری خرده بورژوازی مینماید، حالت گذار بینابینی است که در دوران ما، در دورانیکه هژمونی جهانی پرولتاریا وجود دارد، پدید می‌آید، جنبشی که در این حیات قلمبانی است، اگر در جهت ضد امپریالیستی تقویت شود، به هدف‌های قاطعتری دست یابد و اگر نه، هر روزی نهائی با سرمایه‌داری دراست خواهد بود.

نگرانی شدید محافل مائوئیستی از آنچه که دهبری خرده بورژوازی مینماید، از همین جهت است. این محافل که در مقیاس جهانی هوادار هژمونی امپریالیسم‌اند و اردوگاه سوسیالیسم را دشمن اصلی معرفی میکنند، در مقیاس «مردم هر کشور و نیز با قاطبیت انقلابی، که بزبان امپریالیسم است، مخالفت-بی‌وزنند و بر تمام هژمونی بورژوازی کمک میکنند. مائو یک امر را که در مقیاس جهانی-تاریخی در نظر بگیریم، خرده بورژوازی سیاسی، حیات نمیکند.

یکی از نویسندگان «پیغام امروز» نظری را مطرح کرده، که در واقع نظر همهٔ محافل مائوئیستی است. او میگوید که اردوگاه سوسیالیستی ایران دوگرایش وجود دارد. یک گرایش که عبادت از گرایش بورژوا لیبرالی است.

روزنامه نگاران... بسوی این گرایش متغیلبند... این افتاد ... درضاد مستقیم اقتصادی با رژیم شاه نبوده‌اند... در راه با رند سرمایه داری وابسته بوجود آمده‌اند. وابستگی همه جانبه به اقتصاد سرمایه داری جهانی را میپذیرند و آگاهانه از این وابستگی دفاع میکنند. ولی از آنجا که اکنون در جامعه یک جنبش توده‌ای با پتانسیل ضد امپریالیستی بسیار قدرتمند وجود دارد و نیز به این دلیل که اعمال فشار مستقیم امپریالیسم فلال کراتی خود را در ایران از دست داده، بورژواهای لیبرال خواستار آنند که از امپریالیسم امتیازاتی بگیرند... و از رند رادیکالیسم جلوگیری کنند.

بگفته نویسنده، این گرایش مسلط صاحب قدرت نیست. قدرت واقعی، و قول او، درست یک جریان خرده بورژوا - فاشیستی است. با آنکه نویسنده خود معتقد است که «فاشیست نامعین این جریان از نظر علمی شاید درست نباشد»، در هر حال (۱) فاشیست است، با معنای تازه‌ای که نویسنده برای مقولهٔ گفته و موجود فاشیسم از خودش تراشیده است. (دربارهٔ فاشیسم و منشأ واقعی خطی آن بعداً صحبت میکنیم)

با اینکه سلیبانی این گرایش، بگفته نویسنده، افشاری از خرده بورژوازی سنتی است، در واقع آنان کوچک و متوسط و کسبه و پیله و ران که ... با هجوم امپریالیسم و تسلط الیکارشی پهلوی تحت فشار قرار گرفتند.

«امروز این فکر در رأس یک جنبش نیرومند توده‌ای قرار گرفته، با امپریالیسم دندان نشان میدهد و خشم و غضب و احساس طبقاتی ترخ خود را در برابر سرمایه داری بزرگ جهانی به نمایش میکشاند... باید توجه داشت که یک رژیم خرده بورژوا نمیتواند در شرایط مشخصی با امپریالیسم تضاد حساسی پدیدشده داشته باشد و متلا تا جایی پیش برود که هر نوع رابطهٔ مستقیم سیاسی را با امپریالیسم قطع کند. ولی این امر الزاماً به معنای لغتی، بورژوازی نیست».

چرا از طرف مرفعی نامعین این جنبش های ضد امپریالیستی، از طرف بوروکراسی زاپا، بر شوروی و احزاب وابسته به آن مطرح میشود آنچه گناه بزرگی و سرفا پوششی است برای آنکه هیئت حاکمهٔ شوروی بتواند از اختلاف بین هر رژیمی - ولو از تبعیجی - با امپریالیسم بسود خود استفاده کند، نتیجه‌ای که نویسنده میگرد آید، اینست که:

«فوری ترین وظیفهٔ انقلابیون (۱) مبارزه با سلطهٔ گرایش فاشیستی و تلاش برای شکستن هژمونی آن بر توده‌هاست... مبارات دیگر، زمانیکه خطی فاشیسم جامعه را تهدید میکند، نیروهای مرفعی میتوانند و باید از گرایش های لیبرال در کمپ سرمایه داری بسود خود بهره برداری کنند و لقب خرحله خود را موجه راست ترین و بیخطی تا کنین گرایش (یعنی فاشیسم) سازند.

با اینکه نویسندهٔ مائولویست، طبق معمول مائولویسم، برای اکثریت کلمات معنای نازای اختراع کرده، خرده بورژوازی ضد امپریالیست طاعراف فاشیست، ضد اشتراکسیسمون خرابکار را «اشتراکسیسمون، سوسیالیسم را بوروکراسی حاکم بر شوروی، و غیره و غیره مینماید، اما موقع واقعی او روشن است و آن اینکه، مائولویست‌ها باید با «کمپ سرمایه داری» درست با

چند کلمه بادوستان با استعدادی که برای «مردم» شعریفروستند:

برای آنکه نوشته‌ها را بتوانیم شعر بنخوانیم دست کم می‌باید یکی از مشخصات زیر را دارا باشد.

۱- موجز باشد. یعنی با کمترین کلام بیشترین معنا را ارائه بدهد و بقول حافظ: **بلفظ اندک ومعنی بسیار.**

۲- ایجاز یاد شده نباید به منمنوم یا معنوا صدمه برساند، یعنی کلام باید بدانند و رسا باشد.

۳- خیال پرور باشد، یعنی بتواند شاعرانه بافتنای دور از همان کلمات زیر چشمان بکشاند.

۴- خیال پرور باشد، هژمونی جهانی پرولتاریا استوارتر است. در این زمان، پرولتاریای جهانی و فرزند پرورند آن اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیستی، در مجموع خویش، این اندیشه‌اصلی مارکسیستی-لنینیستی را راه‌نمای عمل خود قرار داده‌اند که، پرولتاریا باید از هر جنبش انقلابی حمایت کند. اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی از هر جنبش انقلابی در جهان حمایت میکنند و میکوشند که جنبش‌های انقلابی را بسوی قاطبیت هر چه بیشتر سوق دهند و راه گذار کشورهای ضد امپریالیستی را بسوی سوسیالیسم هموار سازند.

در این دوران، هژمونی پرولتاریا در تمام نقاط جهان است که در انقلاب‌های ضد امپریالیستی کشورهای آسیا، مقننهای نظیر «دهری خرده بورژوازی» پدید می‌آید، و اگر نه خرده بورژوازی در زمان سلطهٔ کامل امپریالیسم (سرمایه‌داری) اصولاً قادر به رهبری نبود. امروز ما اگر در مقیاس جهانی-تاریخی در نظر بگیریم، خرده بورژوازی قدرت دهبری ندارد، چرا که فراموش اقتصادی-اجتماعی ویژهٔ خرده بورژوازی موجود نیست و در مقیاس تاریخی-جهانی، با فراموش سرمایه‌داری است. یا سوسیالیستی.

آنچه که دهبری خرده بورژوازی مینماید، حالت گذار بینابینی است که در دوران ما، در دورانیکه هژمونی جهانی پرولتاریا وجود دارد، پدید می‌آید، جنبشی که در این حیات قلمبانی است، اگر در جهت ضد امپریالیستی تقویت شود، به هدف‌های قاطعتری دست یابد و اگر نه، هر روزی نهائی با سرمایه‌داری دراست خواهد بود.

نگرانی شدید محافل مائوئیستی از آنچه که دهبری خرده بورژوازی مینماید، از همین جهت است. این محافل که در مقیاس جهانی هوادار هژمونی امپریالیسم‌اند و اردوگاه سوسیالیسم را دشمن اصلی معرفی میکنند، در مقیاس «مردم هر کشور و نیز با قاطبیت انقلابی، که بزبان امپریالیسم است، مخالفت-بی‌وزنند و بر تمام هژمونی بورژوازی کمک میکنند. مائو یک امر را که در مقیاس جهانی-تاریخی در نظر بگیریم، خرده بورژوازی سیاسی، حیات نمیکند.

یکی از نویسندگان «پیغام امروز» نظری را مطرح کرده، که در واقع نظر همهٔ محافل مائوئیستی است. او میگوید که اردوگاه سوسیالیستی ایران دوگرایش وجود دارد. یک گرایش که عبادت از گرایش بورژوا لیبرالی است.

روزنامه نگاران... بسوی این گرایش متغیلبند... این افتاد ... درضاد مستقیم اقتصادی با رژیم شاه نبوده‌اند... در راه با رند سرمایه داری وابسته بوجود آمده‌اند. وابستگی همه جانبه به اقتصاد سرمایه داری جهانی را میپذیرند و آگاهانه از این وابستگی دفاع میکنند. ولی از آنجا که اکنون در جامعه یک جنبش توده‌ای با پتانسیل ضد امپریالیستی بسیار قدرتمند وجود دارد و نیز به این دلیل که اعمال فشار مستقیم امپریالیسم فلال کراتی خود را در ایران از دست داده، بورژواهای لیبرال خواستار آنند که از امپریالیسم امتیازاتی بگیرند... و از رند رادیکالیسم جلوگیری کنند.

بگفته نویسنده، این گرایش مسلط صاحب قدرت نیست. قدرت واقعی، و قول او، درست یک جریان خرده بورژوا - فاشیستی است. با آنکه نویسنده خود معتقد است که «فاشیست نامعین این جریان از نظر علمی شاید درست نباشد»، در هر حال (۱) فاشیست است، با معنای تازه‌ای که نویسنده برای مقولهٔ گفته و موجود فاشیسم از خودش تراشیده است. (دربارهٔ فاشیسم و منشأ واقعی خطی آن بعداً صحبت میکنیم)

با اینکه سلیبانی این گرایش، بگفته نویسنده، افشاری از خرده بورژوازی سنتی است، در واقع آنان کوچک و متوسط و کسبه و پیله و ران که ... با هجوم امپریالیسم و تسلط الیکارشی پهلوی تحت فشار قرار گرفتند.

«امروز این فکر در رأس یک جنبش نیرومند توده‌ای قرار گرفته، با امپریالیسم دندان نشان میدهد و خشم و غضب و احساس طبقاتی ترخ خود را در برابر سرمایه داری بزرگ جهانی به نمایش میکشاند... باید توجه داشت که یک رژیم خرده بورژوا نمیتواند در شرایط مشخصی با امپریالیسم تضاد حساسی پدیدشده داشته باشد و متلا تا جایی پیش برود که هر نوع رابطهٔ مستقیم سیاسی را با امپریالیسم قطع کند. ولی این امر الزاماً به معنای لغتی، بورژوازی نیست».

چرا از طرف مرفعی نامعین این جنبش های ضد امپریالیستی، از طرف بوروکراسی زاپا، بر شوروی و احزاب وابسته به آن مطرح میشود آنچه گناه بزرگی و سرفا پوششی است برای آنکه هیئت حاکمهٔ شوروی بتواند از اختلاف بین هر رژیمی - ولو از تبعیجی - با امپریالیسم بسود خود استفاده کند، نتیجه‌ای که نویسنده میگرد آید، اینست که:

«فوری ترین وظیفهٔ انقلابیون (۱) مبارزه با سلطهٔ گرایش فاشیستی و تلاش برای شکستن هژمونی آن بر توده‌هاست... مبارات دیگر، زمانیکه خطی فاشیسم جامعه را تهدید میکند، نیروهای مرفعی میتوانند و باید از گرایش های لیبرال در کمپ سرمایه داری بسود خود بهره برداری کنند و لقب خرحله خود را موجه راست ترین و بیخطی تا کنین گرایش (یعنی فاشیسم) سازند.

با اینکه نویسندهٔ مائولویست، طبق معمول مائولویسم، برای اکثریت کلمات معنای نازای اختراع کرده، خرده بورژوازی ضد امپریالیست طاعراف فاشیست، ضد اشتراکسیسمون خرابکار را «اشتراکسیسمون، سوسیالیسم را بوروکراسی حاکم بر شوروی، و غیره و غیره مینماید، اما موقع واقعی او روشن است و آن اینکه، مائولویست‌ها باید با «کمپ سرمایه داری» درست با

دست کلچن یا باغبانی کار آزموده بسا جمع کردن آنها هدیهٔ دلنشینی فراهم میکنند.

ای معتبره زده‌ای فرما که دوتم آفتاب درشکر خواب سوسوجی هم وثاق افتاده بود که کرد آوردن آفتاب و شب را در جبههٔ تنگ شاعر و درشکر خواب صوحی از آن جمله است.

۷- معنایی، نقشی، رنگی یا فضایی یکانه بر کل شعر، بر گونهٔ نوکنی تصویر شمن حکفرما باشد، یعنی هماهنگی، گذشته از کلمات برضای درونی شمن نیز سرباست کند.

۸ - چیزی بشما بدهد یا بیاموزد یا توجه‌دهد که شما پاهرگز نمیدانستید، یا بوضوح بر آن وقوف نداشته‌اید، دل هرزه را که بشکافد.

۹- اگر هیچک از مرآت بالا را در بر ندارد، خوبت باید بنویسد، و نه شاعر.

۱۰- دید خاص داشته باشد، یعنی بر مجموع یا گوشه‌ای از آنچه تا کنون دیده یا شنیده‌ایم نگاهی دیگرر افکند، شده باشد.

آسمان کشتی از باب هنر میشکند - تکیه آن به یک‌دیگر بهر مطلق نکند - که آسمان را چون دریا دیدند و آنچه دریائی و از گونهٔ هنر، مندا نه نگریستن بفسادت وی.

مزرع سر فلك دیدم وداس مه نو یادم از کشته خویش آمدو هنر کاوردو ... تکیه یا تلقینی از اشعار یا معانی در آرم یاد، مجموعو شعرو فریب، مدلل شده کلی از کلماتی که عادتاً و طبیعتاً با هم یاد کنار هم نمیرویند ولی

آشاقان کشتگان مشوقند بر نیاید ز کشتگان آواز یابنها بیغز اظم که در دشمن سفید بیا آزاد، که الزام وزن و قافیه تا این حدود کار نیست. رعایت مطالب یاد شده ضروری نر است.

در پایان متذکر میشویم که گسرخه شمر نسخهٔ از پیش تهیه شده‌اند، اما توجه بنگار فوق مینماید، از اذهان مستعد را در کارهای آبی تلفگری باشد

آشاقان کشتگان مشوقند بر نیاید ز کشتگان آواز یابنها بیغز اظم که در دشمن سفید بیا آزاد، که الزام وزن و قافیه تا این حدود کار نیست. رعایت مطالب یاد شده ضروری نر است.

در پایان متذکر میشویم که گسرخه شمر نسخهٔ از پیش تهیه شده‌اند، اما توجه بنگار فوق مینماید، از اذهان مستعد را در کارهای آبی تلفگری باشد

این سیاست داخلی دولت عراق اینک باعث شده که در کشور و پارکها اجتماعی خود را از دست بدهد، در برابر خلق عراق قرار گیرد. خود را بسود ولزرا ات احسان کند و انفرود مدوی انقلاب آزادیبخش ایران بترسد و این سنتی وترن را بخواند با تجاوز مسلح و مداعلات تجماعی نسبت بایران بخیال خود اذانتار مردم عراق مستوردارد.

ولی این راه است. خطرناک هم برای مردم عراق و هم برای مسایگان عراق. دولت عراق اگر با آن سیاست داخلی بیولدهای امپریالیستی امریکا در مینماید، در همهٔ زمینه‌هاودر کلیهٔ جهات، اقدامات جدی وفوری بعمل آورد. با اعتراف مسئولان امر ما در حدود ۱۰۰۰۰ قرارداد با امریکا داریم که با تضمین نمیتوان گفت، هیچک از آنها موافق مصالح ملی ما نیست. قرارداد دوجانبه نظامی ما امریکا هنوز نلوشده‌است، جاسوسان سیا، بنام کارشناسان و مستشاران، هنوز در مینماید باقی هستند و شب وروز به تحریر کت و دسیسه علیهٔ انقلاب ما مشغولند و ضد انقلاب داخل را سازمان میدهند.

دولت وظیفه دارد بیدرنک به لغو قراردادهای تحمیلی و اخراج جاسوسان امریکائی اقدام کند، از دخالتهای امپریالیسم امریکاعلیهٔ آزادی و استقلال مینماید و انقلاب خلق ما، پرده بردارد و این دشمن بشریت را پیش از پیش در ارتاکر عمومی جهان رسوا سازد.

آن کسانیکه خواستار حفظ وابستگی ایران به امپریالیسم اند، متحد شوند، رهبری آنان را بپذیرند ولیهٔ نیز حملهٔ خود را موجه کسانیکه کند که «دورانی جنبش نیرومند توده‌ای به امپریالیسم دندان نشان میدهند و خشم و غضب احساسی طبقاتی و خشم خود را در برابر سرمایه داری بزرگ به نمایش میکشاند، و چه کار بدی میکنند ا آخر هژمونی پرولتاریائی گفته‌اند ا انقلابی گفته‌اند ا مارکسیست - لنینیستی گفته‌اند ا آدم با نیت که نباید به امپریالیسم دندان نشان بدهد ا اگر دندان نشان میدهد، به تودهٔ مردم ضد امپریالیست و به اردوگاه سوسیالیسم نشان بند، با کمک، سرمایه داران جهانی چه کار داریم ا

## پر سشها و پاسخ‌ها

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم» از دوستان حزب توده ایران، و پرسش‌ها لی دربارهٔ تاریخ حزب، سیاست حزب و موضوع حزب نسبت به سال ۱۳۰۷ مائوئیستی می‌آید. از این پس روزنامه «مردم» سوئی می‌گشاید، زیر عنوان «پرسش‌ها و پاسخ‌ها»، و در این سونگوشی بعمل خواهند آمد و پرسش‌هایی که از طرف افراد مختلفی، و بکسان و یا تقریباً بکسان مطرح می‌شود، پاسخ داده شود.

از خوانندگان «مردم» و دستساران حزب خواهش می‌نماید پرسش‌های خود را به دفتر روزنامهٔ مردم ارسال دارند.

## اخبار دهقانی

«شوراهای ده و شرکت دهقانان در امور روستاها

رونوشت نامه‌ای از ستندج بما رسیده است که مضمون آن یکسان دست‌اندر کاران امور روستایی بی‌امور شوراهای ده انظار عقیده میکند. روی با تکیه به تصمیمات اعلام شده توسط امام خمینی و نظریات آیت‌الله طالقانی و بخشهایی از فکری شده، معتقد است که باید عده اغضای شوراهای ده مثل دوران سابق دیگر بجنبهٔ نباشند که همان وضع گذشته را بخاطر دهقانان بیابورد، بلکه باید یازده نفر باشند، که از این عده و دفتر نماینده اصناف و کسبه ده و یک نفر نماینده روشنفکران ده (نظیر معلم دهقانان و آموز) و نفر بقیه نمایندهٔ فقط دهقانان شحکتند، امع از خوش‌نشین یا صاحب نسق (به نسبت عده هر دسته) باشد و مالکان بزرگو کسانیکه در ده زندگی میکنند، ولی زمین دارند، در شورا شرکت داده نشوند.

از قرار نسخه اصلی این نامه، برای کردآوری تمام نظریات و عقاید، به دفتر حینست آیت‌الله طالقانی فرستاده شده است. نکته مهم و اصلی، سرفنظر از نحوه تقسیم و عدهٔ اعضا، در این پیشنهاد است که شورای ده باید تنها مرکب از خود روستائین باشد و فقط از کسانیکه در ده کار میکنند و زحمت میکنند، باشد. یعنی هسته اصلی این پیشنهاد آنست که باید دست مالکان و استعمارگران بشرد- نشین، که دهقانان را استعمار میکنند، از شوراهای ده قطع شود تا این شوراهای واقعا مبین منافع دهقانان گردند و تصمیمات آنرا همه دهقانان با جان و دل قبول کنند و آنها را با مشارکت عملی خویش عملی‌سازند.

تجاوز و مداعلات دولت عراق برضد تمامیت ارضی و برضد انقلاب ایران و نیز خصومت دولت عراق با این دولت‌های فداشای خارجی سیاست داخلی دولت عراق است، چرا که سیاست خارجی هر دولت در واقع ادامهٔ سیاست داخلی در مناسبت با دیگر کشورها است. دولت عراق اشتقاق را در کشور عراق بعد اعسلا رسانده است، دولت از زمانی که با دولت شاهمنخلع ایران باصلاح و آشتی کرد، چهره‌ای از تبعیجی از خود نشان داده که روز بروز آشکارتر میشود. دولت عراق به یکدیگر و دستار کوششها و وسایل ازاد بخوانان عراقی پرداخته، خود مختاری کردستان عراق را، که تقبل کرده بود، به یوتو فراموشی انداخته، و پیش سیاسی را بجان مردم انداخته است.

این سیاست داخلی دولت عراق اینک باعث شده که در کشور و پارکها اجتماعی خود را از دست بدهد، در برابر خلق عراق قرار گیرد. خود را بسود ولزرا ات احسان کند و انفرود مدوی انقلاب آزادیبخش ایران بترسد و این سنتی وترن را بخواند با تجاوز مسلح و مداعلات تجماعی نسبت بایران بخیال خود اذانتار مردم عراق مستوردارد.

## توجه!

رفیق گرامی حسین پندر دادوش رفیقی که پس از کودتای ۲۸ مرداد کسکهای با ارزشی به حزب کردید با تغییراتی که پیدا شده ما نتوانستیم خانه شما را پیدا کنیم، اگر در تهران هستید، خواهش میکنیم مستقیماً به دفتر «مردم» مراجعه کنید و یا با تلفن نشانی خود را بنهید.

درفقا و دوستانی که در خارج از کشور اند، میتوانند کسک‌های خود را به نشانی زیرین ارسال دارند.

Sweden  
Stockholm  
Spar banken Stockholm  
N: 0400 126 50  
Dr. John Takman

بقیه از صفحه ۲

شبه سنگین کودتای امپریالیستی و خائنانه ۲۸ مرداد، بیش از هر نوری دیگر به حزب توده ایران وارد آمد، حزب ما بیش از هر گروه و سازمان سیاسی دیگر کشته و زنیانی داد، که عده‌ای از آنها تنها پس از ۲۳ سال، یعنی پس از پیروزی انقلاب از زندان خارج شدند. تنها سازمان سیاسی که پس از ۲۸ مرداد توانست به فعالیت خود در سخت‌ترین شرایط بیکردید پس ا دامعه، توانست بخشی از نیروهای خود را از زیر شر به‌های خردکننده، رژیم پهلوی بیرون بکشد، دوباره چنانچه مخفی بره اندازد و بر چه مبارزه علیه رژیم را فراگرفته نگه‌دارد، حزب توده ایران بود. نزدیک به سال طول کشید تا رژیم سپاه شاهمنخلع توانست مقاومت سر سختانه حزب ما را درهم شکند و تشکیلات سراسری را از هم بپاشد.

در این دوران اکثر «سنجایی‌ها»، باستانبای کسانیکه تمدانشان از انگشتان دست بیشتر نیست، «دکتر مصدق» را تنها گذاشتند و بشکلی از اشکل «کلمه» خود را از آب بیرون کشیدند و در برداشت همی از «فحوا عظیم بنامه شرکت جسدند، ولی مبارزتان تودهای در فعالیت مخفی، چند زندان و چند مهاجرت، تمام نیروی خود را برای ادامهٔ مبارزه علیه رژیم فاسد کودتای ۲۸ مرداد با کفانداختند. در این ایام اکثر «سنجایی‌ها» در سایهٔ حاکمیت غارتگران رژیم، به‌شاه و ساواک بفرزندگی آرام خود ادامه میدادند.

رژیم شاهمنخلع «توده‌یهای خطرناک» را، که از دسترس اود دور بودند، در دادگاه‌های غیبی محکوم به اعدام کرد، تمام پلیس امپریالیستی را برای پیام اذانتخن آنان تهمیز کرد و حتی برای آنان باور کردن آسان از هیچ‌گونه توطئه‌ای کوتاهی ننمود.

دربارهٔ فعالیت حزب توده ایران، نقش افشارگیرانه، روشنفکرای، و همچنین کشتهٔ انتشارات و بر نامه‌های رادیویی حزب (رادیوی پیک ایران) و نقش نشریات مخفی حزب در ایران مطالع گفتنی بسیاری است. تنها این واقعات را، هرگز فراموش نکنیم که آنچه را که نسل جوان انقلابی بهمین ما، حتی گروه‌های مخالف حزب ما، در زمینه شناخت جامعهٔ ایران و جهان، شناخت دوسوستان و دشمنان انقلاب ایران و توده‌های مبارزه آموخته‌اند، در بخش مهمی محصول کار حزب توده ایران است.

از اینها که بگذریم، به دوران نزدیک، یعنی دههٔ سال اخیر میرسیم. ببینیم در این دوران حزب توده ایران و «سنجایی‌ها» کجا بودند!

حزب توده ایران، در سال ۱۳۵۳ برنامه جدید خود را، که در آن صراحت را آمده انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران بررسی شده است، تدوین کرد و در آن صراحت اظهار نظر نموده، بساط سلطنتی توت اسعبدادی باید برچیده شود و جمهوری ایران، بر پایهٔ ارادهٔ خلق، باید یک نظام ملی و دمکراتیک را، که استقلال واقعی سیاسی و اقتصادی و دمکراسی واقعی سیاسی و اقتصادی را در جامعه ما تأمین مینماید، بنست توتانی انقلاب خلق برپا سازد. حزب توده ایران پس از آنکه بارها مورد هجوم و حملهٔ ساواک قرار گرفت و سازمانهای مخفی اش مانند همه کشورهای فاشیستی بتاراج رفت، باز مانند هر نیروی اصیل انقلابی کار را از نو شروع کرد و به ایجاد سازمان مخفی خود دست زد و روزنامهٔ «نوبه» را، که نقش مؤثری در افشاکری، روشنگری، و همچنین نیروهای مبارز در راه‌های اخیر داشت، منتشر آورد و در آن فکر لزوم برانداختن رژیم شاه خائن و ریشه‌کن ساختن امپریالیسم را ترویج کرد. آقایان سنجایی‌ها در این دوران کجا بودند و چه میکردند؟

آقایان سنجایی برای مبارزهٔ درخشان مبارزان خلق و یو بوزهٔ نیروهای عظیمی که زیر پرچم امام خمینی را در میدان نبرد گذاشته بودند، اوضاع سیاسی ایران را تقویر کرد، از تراجع مجبور به عقب نشینی شد و امکاناتی برای اظهار نظر پیدا شد، آقایان سنجایی‌ها نیز سر اسیمه را به میدان گذاشتند و از همان اولین روز نقش ترفه‌کننده مبارزهٔ خلق را به عهده گرفتند.

شما آقای کریم سنجایی، طی دهها اعلامیه و مباحثه تنها در این جهت عمل کردید و بر نامه سیاسی که برای جبهه می نوشتید، معتقد بودید که رژیم سلطنت فاشیست و ناپوتان و ناپاید بر نداشت. تمام فعالیت چهار ساله اخیر شما در جهت حفظ سلطنت مشروطه، حتی باشخص شاه، بشرط انجام یک «انتقاد از خود» و یا لااقل با حفظ پس از بهاد است، شما با اجازه و موافقت رژیم شاه خائن به پاریس رفتید تا آیت‌الله خمینی را قانع کنید که، نیشود علیه امریکا و شاه جنید، کوشش شما در این راه بود که مردم را از ادامهٔ تظاهرات، که هر روز علیه رژیم خصمانه‌تر میشد، باز دارید. و شما، پس از آنکه «به این نتیجه رسیدید، که مردم مبارز ترمن هستند، گمان را زبیرای خود گندمال خواهند کرد و آنجا می‌فرستند که شاپور بختیار، همکار و دوست، در این شما، را اعلامیهٔ ۱۱ ماده‌ای خود در پاریس که یک کلمه علیه امپریالیسم امریکا در آن دیده نمیشود، خود را به جنبش در حال پیشرفت چسبانید.

حزب توده ایران در مراحل آغازین انقلاب در خطاب خود به مسازان و در چه داران و افسران، آنان را به قیام علیه رژیم شاه خائن فرا خواند. حزب توده ایران در دپتام ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ خود، از همهٔ مبارزان را در خنق و مدعیان مبارزهٔ در راه منافع ملی دعوت کرد که، جبهه متحدی برای سرنگون ساختن رژیم بوسیدهٔ سلطنتی و برقراری جمهوری بوجود آورند و بر نامه و سیمیم در زمینه مبرم‌ترین مسائل زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی کشور پیشنهاد نمود.

حزب توده ایران پس از کشتار جمعه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، همزمان با آیت‌الله خمینی، مردم را به تشدید مبارزهٔ فراخنده، ای ای شما و بختبار برخی دیگر از «سنجایی‌ها» و مباحثهٔ باروزنامهٔ لوموند مبارزهٔ قاطع و بیپیکر مردم ایران را تشنهٔ کردید و برای جلب مرحمت شاه خائن، هواداری خودتان را از سلطنت مشروطه یکبار دیگر تأکید نمودید. برای کمک به محافظه‌شاه، خوست یکبار دیگر به مصاحبهٔ خودتان و به نوشته‌های روزنامهٔ «نوبه»، که در تهران پخش میشد، مراجعه‌ناید.

آقای سنجایی ا خیلی بیشتر بجای بگوشا، بجای اینکه دنبال مقصرین واهی حوادث بیست و پنج سال پیش، لاااالات «سیر کونولیم» سازید و بختبار و نظارت آنرا تکرار کنید، و بشوندگان خود توضیح می‌دادید که، چگونه دوست و همکار شما، شاپور بختیار، این خیانت عظیم را به مردم ایران کرد. آیا همان این اقدام افکار مرموع در جهت اختراعات اتهام سازا که نسبت به حزب توده ایران میکنند، هیچ‌گونه ارتباطی نیست؟ آیا این تلاش دوران اخیر شما گروه‌خاکشی نیست که شما هوا می‌کنید، برای اینکه سیاست‌سازش کار را لغو دراد و قبایل امپریالیسم‌وار شیخ نجاب ایران از انقلاب دور بماند؟

آقای سنجایی ا ما می‌دانیم که بقوانیم در آینده نزدیک، در زمینه آنچه که در این پاسخ منضم شده است مجموعه‌ای از اسناد و مدارک از دسترس افکار عمومی قرار دهیم و بدینسان به‌آزادی درست دربارهٔ زیستنامهٔ آقایان شما کسک بپشری بکنیم.

بقیه از صفحه ۲

## رویدادهای جهان

**ناتو بندر سوئظن و دشمنی می‌افشاند**

اتحاد شوروی اعلام کرده که سرمداران ناتو قصد دارند که برنامه افزایش امکانات و قدرت نظامی بیمان آتلانتیک شمالی را به یوتو اجرا کنند. روزنامه پر اواد، از کان حزب کمونیست اتحاد شوروی، در تقصیری که به کان اجلاس بهاد شوروی تا ناو اختصاص داد، نوشت، «نیروهای وجود دارند که می‌کوشند، سوئظن و دشمنی متقابل را از نو تقی‌سازند.

سخنرانی تلویزیونی لئونید ایلیچ برژنف، دبیر کسب که میته مرکزی حزب کمونیست و صددهیئت رئیس اتحاد جماهیر شوروی در سوئظن بود، اظهار داشت، «افاده‌ای به این نبروها داشت. برژنف اعلام کرده که رژیم یک منبع خطر جدی جهانی است. وی تصریح کرده که «بکن نه تنها با هر گونه اقدامی در راه تمدن، به ما بینهٔ تسلیم‌ناقی مخالفت می‌کند، بلکه از کشورهای عضویمان ناتو و از این میخواند که به تجدیدن تسلیحات مبادرت ورزند».

**اتحاد شوروی در راه تفاهیم و صلح بین‌المللی می‌کوشد**

لئونید برژنف در این سخنرانی تلویزیونی تأکید ورزید که دیدار آینده وی با کالر، رئیس جمهوری امریکا، نه تنها ممکن است به بهبود روابط در ندهای بزرگ انجامد، بلکه در ضامی بین‌المللی نیز چنین به‌بودی پدید آورد. برژنف همچنین اعلام کرده که هدفهٔ دیگر، به وین خواهد رفت تا قرارداد سات ۱، ۲ امضاء کند. وی در این مورد تأکید ورزید که «اتحاد شوروی برای یک گفت‌وگوی خلاق و مؤثر آماده است و امید دارد که امریکا هم آمادگی برای یک گفت‌وگوی خلاق و مؤثر برژنف در مورد مناسبات اتحاد شوروی و چین گفت، «ما مایل هستیم موضوع گفت‌وگو با چین را بطور جدی و مؤثر مورد بررسی قرار دهیم».

**اعراب چهارمی اندیشند و جبهه پایدار را در تصمیم‌گیری‌ها می‌نماینند**

در پایان اجلاس مهمی که به ریاست لیبان سرفانت، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین تشکیل یافت، فلسطینیهای بی‌امور و متحدان تر قیخ اشغال تعیین کردند که جمعیت غیر نظامی جنوب لبنان را از این ناحیه به نقاط دیگر منتقل کنند تا آنها را از خطر بمبارانها و کشتارهای اسرائیل نجات دهند

همچنین تصمیم گرفتند که سریمآ و تا آخرین نفر ندائیان فلسطین با افراد مسلح لبنانی از تمام شهرها و دهکده‌های لیبسان، در مورد در جنوب لبنان یا نبطیه، خارج شوند.

بیشتر روزنامه النهار قصد فلسطینیها و تر قیخواهان لبنان از این تصمیم این است که نیروهای خود را در مواضع واقع در سی و پنج کیلومتری این دهکده‌ها و شهرها منتقل سازند.

بیشتر روزنامه النهار قصد فلسطینیها و تر قیخواهان لبنان از این تصمیم این است که نیروهای خود را در مواضع واقع در سی و پنج کیلومتری این دهکده‌ها و شهرها منتقل سازند.

**کمپانیهای نفتی امریکایی به غارت و وسود بر برای فرازنده خود ادامه می‌دهند**

خبرگزاری تساس اعلام کرد که کمپانیهای نفتی امریکایی آکسون، استاندارد اویل از کالیفرنیا، هویل اویل و تکرا کو که از جمله شرکهای نفتی دسیم در آدرام کوشند و از نفت غیرستان سودی بهره بر داری می‌کنند، مهیب افزایش جدیدی قیتمهای نفت در بازار آزاد نفت بندر روتردام هلند است.

ناسیمس در تشریح وضع بحران نفت و اوضاع ناشی از تضاد و اختلاف نظر موجود میان امریکا و کشورهای اروپائی، تصریح کرد که شرکتهای بزرگ نفت که صدورهشتاد درصد نفت خام بفرق را در زیر نظارت خود دارند، نتوانند کار ایچا که سودهای مصنوعی نفت هستند.

خبرگزاری شوروی اعلام کرده که سخنگویان نمایندگان شوروی نفتی امریکا در مجلس قانونگذاری این کشور در بهار گذشته، شایعاتی در بارهٔ وجود تهمه‌هایی در زمینه «اصطلاح‌های جدید استخراج نفت در خلیج فارس انتشار دادند. لکن تاس یادآور شده که این کمپانیهای بزرگ نفتی امریکا هستند که تسولیت آنکه بازرگانی نفتی امریکا را به واردات از خارج، مستقیماً بر سهده دارند، و اگر اکنون یک بشکه از بوشکه نفت خام امریکا از خارج تأمین می‌شود بدان علت است که ورود نفت از خارج برای شرکهای نفتی امریکا در برابر بیشتر از استخراج از ذخایر داخلی نفت سود دارد.

**پیروزیهای مردم نیکاراگوئه**

همزمان با اوچگیری فرازنده قیام و مبارزهٔ مردم نیکاراگوئه با حکومت دست نشاندهٔ ناسازیو سوزهای دیکتاتورنه‌ان تن از نیمهٔ مسلح این کشور، چهار شهر مهم را آزاد کردند که ما گوا یا بخت نیکاراگوئه، نیز در حفظ و در معرض خطر حمله از طرف مردم قرار داد. دولت امریکا که عده‌اره از همهٔ دیکتاتورها در تمام اقطار و اکناف جهان پشتیبانی کرده است و می‌کند



### درو به کارگران رزمنده کوره پزخانه!

#### گرامی باد خاطره کارگران شهید کوره پزخانه

۲۳ خرداد ۱۳۳۸، در بدترین شرایط ترور پلیسی و اختناق مطلق در کشور، بار دیگر طبقه کارگر قهرمان ایران، بمیدان آمد و بزرگترین اعتصاب کاری ایران، در بعداز کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۳۲، سازمان داده شد. ۲۰ هزار کارگر کوره پزخانه، که از زمره ستمکشترین قشرهای زحمتکشان کشور ما هستند بعلت شرایط شاق کار و زندگی غیرقابل تحملشان، ترور و یورش بی پروای آفریزی ساواک را به جان خریدند و دست به اعتصاب زدند. بلافاصله بعد از شروع اعتصاب، تانکها و زره پوشهای ارتش شاهنشاهی، بحرکت درآمدند و به سرکوب اعتصاب کنندگان پرداختند. بیش از ۵۰ تن زن و مرد و کودک بر اثر این یورش وحشیانه کشته شدند. طبق اطلاعات موثق، سرهنگ زیبایی، شکنجه گر مشهور ساواک، در این ایام شخصاً شرکت داشته است. روزنامه کیهان روز بعد نوشت: «درست نیمیست از آغاز جنبشال اعتصاب گذشته بود که مامورین انتظامی سرسپیدان و در همه کارخانه ها نیروی امدادی - تهرانی و افراد سازمان امنیت مستقر شدند»

روزیم ددمش شاه بخاور، که این اعتصاب عظیم کارگران کوره پزخانه را از چشم حزب توده ایران میدید، برای زهرچشم گرفتن از آنها، علمی علوی، عضو هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران را، که در زندان شاه خائن اسیر بود، به جویبه اعدام سپرد. آزموده خونخوار

در بدترین شرایط باید این خونها ریخته شود فاتحت سلطنت محمدرضا شاه محکم و برقرار گردد.

اما نه کشتارها و نه لشکر کشی به کوره پزخانه توانست کارگران را از اعتصاب و مبارزه برای احقاق حقوق حقه شان بازدارد. سرانجام رژیم کودتا، برای جلوگیری از گسترش اعتصاب کارگران کوره پزخانه، ناگزیر به عقب نشینی و پذیرش بسیاری از خواسته های آنان شد. اما دستگاه تبلیغاتی رژیم کوشید این عقب نشینی رژیم را، که به بهای خون بیش از ۵۰ انسان رنج دیده تمام شد، بحساب «عطیه» ملوکانه جا بزند. روزنامه های دولتی نوشتند، هر نوع «هرج و مرج» بشدت سرکوب میشود و اگر کارگران از «غنايات شاه» استمداد کنند، بهتر به نتیجه خواهند رسید!

ولی طبقه کارگر رزمنده ایران بخوبی میدانست که این رژیم شاه خائن نیست که خواسته های آنان را برآورده میکند، بلکه پشتوانه رضامن تحققی خواسته های آنان، مبارزه مستمکن و يك پارچه علیه صاحبان زر و زور بوده و هست.

### وظیفه انقلابی کمک مالی به حزب، جقدر عمیق، الهام بخش و شورانگیز اجرا میشود.

مطالبی را که در زیر میخوانید يك نغز داستانی قلمی نگاشته است. زندگی واقعی این دختر و آن پسر، این جوان و آن پیراست که با قلم خودشان بروی کاغذ آمده و با درس «مردم» پست شده است. بخوانیم و ببینیم جقدر خوب و ژرف و افتخار آفرین این وظیفه کمک مالی بحزب با تمام ابعاد معنوی آن درک شده و عملی میشود.

طاهره ش مینویسد: «دختری هستم درقم. امسال يك هفته صبحی سر کلاس هستم و يك هفته بعد از ظهری. من آن صبح با بعد از ظهری را که مدرسه نمیروم به چایش میروم قالیبافی. پهلوسوی عذرا خانم. هفته ای سی تومان میگیرم و با پولیکه مادرم از کار کردن میگیرد خرج زندگیمان میشود. این هفته از عذرا خانم خواستم که بگذارد جمعه هم بروم و قالی بیاوم. آخر من نقشه زدن هم بلدم. او گفت باشد. برای کار روز جمعه پنج تومان گرفتم. عمداً رفتم که من زدن را برای شما بفروسم. برادر بزرگ من، بمن گفته است که شما چه هدیه های خوبی دارید. آرزو میکنم همه چیز را بفهمم. قریب همه شما طاهره... و توی پاکت يك پنجاه ریالی بود.

... من مادری هستم دارای ۹ فرزند. با کمی فکر درباره عقیده های حزب توده، بی بردم تمام فکر عقیده های شان بسیار خوب است. در میان فرزندانم فقط دو نفر حقوق بگیر هستند که من از هر کدام ماهی ۳۰۰ تومان دریافت میکنم. ما پهلودر ماه يك روز از این سهم خودم را برای کمک بروزنامه «مردم» بدهم...

... کزاده هستم، دانش آموز دوم راهنمایی، دست شکست و وقتی توی بیمادرستان بودم با پسر تارا و دکتر در باره حزب و سیاست صحبت داشتم و من که از پدرم یاد گرفته بودم از حزب دفاع میکردم. دکتر انسان آگاهی بود. موقتی که پدرم برای بردن من آمد صورتحساب ۵۶۰ تومان شد. دکتر حق خودش را کویا نگرفت و ۳۱۰ تومان تخفیف داد. دکتر موقع خدا حافظی با من دست داد و مرا «رفیق» خواند و بمن گفت مواظب دستت باش چون برای همه خیلی لازم است. منم حالا تصمیم گرفتم که تخفیف رفیق دکتر را با اضافه منحصراً پس انداز خودم که جمعاً پانصد ریال میشود بصدوق حزب توده ایران بفرستم...

... من رضا، کلاس سوم هستم. درماه یوش عیدی هایم را جمع کردم. عویم حالا از ایالتی آمده که خیلی باسواد است و البته از هواداران حزب توده ایران هم هست. وقتی علاقه او را دیدم گفتم بهتر است عیدی هایم را باو بدهم تا بحزب کمک مالی شده باشد. موفق باشم.

... و بالاخره این نوشته از دانش آموزی ۱۳ ساله، سالها بود که ما در سر زمین اختناق زندگی میکردیم و من از وجود حزب چون حزب توده و داشتن خانواده ای توده ای محروم بودم ولی حالا تازه فهمیدم که من از پدر و مادری توده ای بوجود آمده ام و حزب آنها هم فعالیت آزاد میکند و من افتخار میکنم. پدر و مادر و دایه هایم افتخار عضویت را داشتند و منم در چند سال آینده راه آنها را پیش خواهم گرفت. فکر میکنم در شرایط فعلی بهترین کمک من کمک مالی است. من پس انداز خودم را تقدیم میکنم و امیدوارم که این چیز کوچک را بپذیرید. دوستدار شما، آری پروچوان، دختر دهم، راه انجام يك وظیفه انقلابی بردارم را در همین تصمیمات بظاهر کوچک، ولی عمیقاً پرمحتوی بسافته اند. عهده آنها هر چه بر شانه تریادا باسپاس گرم.

دوشیزه ۱۳ ساله تالیاتی نام شبنم، با کمک پاداش به دفتر «مردم» آمد و شعر «سرود سوگند» را، که در زیر میخوانید، به حزبش تقدیم کرد. در برابر قدرت روحی و احساس عمیق و ایمان بزرگ «شبنم»، جز آنکه سر احترام فرود آوریم، چه توانیم کرد؟ «مردم»

### «سرود سوگند»

#### «تقدیم به حزبم»

به ایران سوگند  
که دردم شکستن سدها را  
به بازوی توانای رنجبر،  
از نزدیک میتوان دید  
که چشم انداز  
پیکار قاطماً نه شان را  
در نزدیک راه زمان می بینم  
به وطنم سوگند  
که نقش جانبازی شهیدانمان  
فردا را در پیش روی ما  
به چراغان خواهد سپرد  
و به هشیاری حزیم سوگند  
که ستونهای فردا  
ایستادگی را از روزه آموختند  
و در جاودانگی ادانی را میمانند  
آری ستونهای آهنبون  
در فرادای پاینده!  
و به پیر و زیمان سوگند  
که طنین سرود فاتحان همان  
در تمامی شهر در پیچد  
و پیوند پایدارمان  
زنجیر هارا بکشد  
به آزادگی سوگند  
که راه رفیقان را  
به پایان خواهیم رساند  
و در این راه  
جان خود را دریای خلقها  
نثار خواهیم کرد،  
باشد که ایمان و پیوند مان را  
دشمن نپسندد،  
ما به فردا خواهیم رسید.

### قانون مطبوعات ...

آزادی از دیدگاه مادرای مذهب و طبقاتی، عینی و نسبی است. از این رو همواره در چهارچوب مصالح عمومی جامعه باید پرسیده، آزادی برای چه؟ آزادی برای چه؟ آیا دشمنان مردم هم باید آزاد باشند؟ در شرایط امروری ایران، در رابطه با این پرسشها، باید پرسید آیا باید به دشمنان انقلاب آزادی داد؟ آیا باید منافع آزادی بدو مسئولیت، آن آزادی که دانسته و ندانسته بدستاوردهای انقلاب مردم لطمه میزند نیز بود؟ ما، در شرایط مشخص ایران، که عمال امپریالیسم و ارتجاع از سوئی با تمام نیرو دست انداز کار فتنه و آشوبند و از سوی دیگر بورژوازی لیبرال با تسهیل مساله «آزادیها» به مسئله اصلی، قصد در سایه گذاشتن امپریالیسم را دارد، در رابطه با سئوالات بالا با مساله «آزادی» برخورد می کنیم.

از این گذشته، ما آزادی را در مفهوم عمیق آن بررسی می کنیم، ما وقتی از دموکراسی (آزادی) در مفهوم عمیق آن سخن می گوئیم، هم به حقوق دموکراتیک (حق کار، تحصیل، استراحت، مسکن، آموزش و بهداشت و غیره) نظر داریم هم به آزادیهای دموکراتیک (آزادی احزاب، مطبوعات، عقاید و غیره) ما خواستار استقرار دموکراسی واقعی، یعنی واقفیت بخشیدن به دموکراسی سیاسی و اقتصادی در کشور هستیم. و درست بخاطر همین برخورد با مساله آزادی هاست که لایحه مطبوعات را محدود کننده آزادیها و لامانع بر سیاست اصولی خودد دفاع از آزادیهای دموکراتیک میدانیم.

اما این به آن معنا هم نیست که ما خواستار آزادی، بدون قانون، بدون مصلک و بدون مسئولیت باشیم. آزادی بگمان ما نه مطلق است، نه انحصاری، مطلق کردن آزادی، جامعه را به هرج و مرج میکشاند، انحصاری شدن آن هم راه بدیکتاتوری میبرد. ما خواهان قانونی هستیم که دست دشمنان انقلاب

را کوتاه کند، ما طرفدار قانونی هستیم که آزادی یاران انقلاب را تضمین کند. ما مدافع «آزادی مسئول» هستیم، مسئول در برابر مردم ایران، در برابر انقلاب ایران.

با قانون مطبوعات هم دست از همین دیدگاه برخوردار می کنیم. بگمان ما شرط اساسی برای تحکیم و تثبیت آزادیهای دموکراتیک، بازتاب یساقن خلصت شد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی انقلاب ایران در قانون اساسی جمهوری اسلامی است ما انتظار داریم که در قانون اساسی جدید ایران از جمله آزادیهای دموکراتیک (آزادی قلم، بیان، مطبوعات، احزاب و...) تصریح شود. قانون مطبوعات نیز باید بر اصول آزادیهای مصرح در قانون اساسی جدید تدوین گردد. در چنین قانونی میتوان برای مواردی که خلاف قانون اساسی باشد، حرم تعیین کرد. میتوان بر بنیاد آزادیهای دموکراتیک مصرح در قانون اساسی، قانونی برای مطبوعات نوشت. بگمان ما، در این قانون، بجای استفاده از ضوابط کشدار قابل تفسیری چون «صلاحیت اخلاقی»، «توهین»، «افترا» و بنیادی موادی که در آن بر خلاف روح انقلاب ایران، نقض عقاید در مطبوعات رسمیت داده شده. و در لایحه قانونی مطبوعات، به فراوانی دیده میشود. باید از معیارهای عینی بسود انقلاب استفاده شود.

از اینجاست که بنظر ما، هر شخصیت حقوقی یا حقیقی، که در جنبش ضد امپریالیستی وضد استبدادی مردم شرکت داشته و هم اکنون بر ضد امپریالیسم و ارتجاع و در راه حفظ و تحکیم گسترش انقلاب مبارزه میکند، باید اجازه داشته باشد، نشریه منتشر کند. این ملاک عینی است. میبای است که بین دوستان و دشمنان خلق مرز میکشد. آزادی یاران انقلاب را تضمین و آزادی دشمنان آنرا محدود میکند. این قانونی است که روح ضد استبدادی وضد امپریالیستی انقلاب مادر آن منعکس است.

در بیست و نهم سالگرد اعتصاب قهرمانانه کارگران کوره پزخانه، خاطره شهبان کارگر را گرامی میداریم و مطمئنیم که طبقه کارگر آگاه، رزمنده و قهرمان ایران، وفادار به سنت انقلابی خود، در پیشاپش مردم ایران به پیکار خود برای حفظ و تحکیم و گسترش انقلاب ایران ادامه خواهد داد.



بیاد اعتصاب کارگران کوره پزخانه

- از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم
- فروزه (از شیراز) که به حزب پدرش وفادار مانده و پول دوچرخه را برای کمک پرداخته است ۱۰.۰۰۰ ریال
- خانم مهری از کرمانشاه ۲۰.۰۰۰ ریال
- م. ز کارگر سابق چالوس ساکن تهران ۲۰۰۰ ریال
- داداش زاده غنبد ۵.۰۰۰ ریال
- ۱۷۶ از شیراز ۱.۰۰۰ ریال
- سیامک از شیراز ۱۳.۰۰۰ ریال
- پویا